■ چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۵ ■ ۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸ ■ ۱۱ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۰۴ ■ قیمت: ۲۰ هزار تومان

Charsoghnewspaper

نبض اقتصاد را در دست بگیرید

چارسوق



۱

شگفتانه موشکی سپاه

از شهر موشکی جدید سپاه رونمایی شد

شهر موشکی جدید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حضور سرلشکر عبداللهی و سردار موسوی رونمایی شد.

شهر موشکی جدید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با حضور سرلشکر علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا(ص) و سردار سید مجید موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران رونمایی شد. این رونمایی، بخش دیگری از زیرساخت‌های موشکی نیروی هوافضای سپاه را در معرض دید قرار داد؛ زیرساخت‌هایی که پشتیبانی از توان عملیاتی یگان‌های موشکی و حفظ آمادگی آن‌ها برای مقابله با تهدیدات، از کارکردهای اصلی آن‌هاست. توان موشکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران است و توسعه زیرساخت‌های مرتبط با آن، در کنار تولید و ارتقای موشک‌ها، در حفظ آمادگی دفاعی کشور نقش دارد.

سرلشکر عبداللهی: شگفتانه‌ها در جنگ آینده، یکی پس از دیگری آشکار خواهد شد

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گفت: آثار موشک‌های پیشرفته در میدان جنگ دشمنان را غافلگیر خواهد کرد.

سرلشکر علی عبداللهی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیا(ص) اظهار کرد: شما و دیگر هم‌رزمانتان که در بخش‌های مختلف نیروی هوافضا و سراسر نیروهای مسلح خدمت می‌کنید، به‌راستی قهرمانان این کشور هستید. وی با اشاره به عملکرد نیروهای مسلح در مقابله با دشمن افزود: به فضل الهی، کاری شگفت‌انگیز انجام شد. آمارها نشان می‌دهد که آمریکا در هیچ جنگی، طی بازه زمانی مشابه، این میزان مهمات و تجهیزات نظامی به کار نگرفته است؛ آن هم با چنین حجمی از مهمات پیشرفته که استفاده از آن‌ها را در میدان نبرد شاهد بودیم.

سرلشکر عبداللهی درباره عوامل ناکامی آمریکا و پشیمانی این کشور از اقدام خود تصریح کرد: معتقدم آنچه پیش از سلاح، تجهیزات و امکانات، موجب این ناکامی شد، اراده انسان‌ها بود؛ اراده رزمندگانی همچون شما و سردار سید مجید موسوی.

وی با تأکید بر اینکه تکلیف نیروهای مسلح، ایستادگی در برابر دشمن است، ادامه داد: بزرگی یا کوچکی دشمن و میزان تجهیزات و امکانات آن، مبنای تصمیم ما نیست. آنچه تاکنون پیروزی ما را رقم زده، همین روحیه بوده است؛ نه محاسبات دشمن را می‌پذیریم و نه این محاسبات بر اراده ما تأثیر می‌گذارد.

بی‌تردید رژیم صهیونی را نابود خواهیم کرد

سرلشکر عبداللهی در واکنش به اظهارات اخیر نتانیاهو تصریح کرد: نتانیاهو اخیراً گفته است «یا ما باید ایران را نابود کنیم یا ایران ما را نابود خواهد کرد». این سخن تازه‌ای نیست؛ روشن است که ما قطعاً آنان را نابود خواهیم کرد.

وی افزود: این سخن تازگی ندارد و بی‌تردید ما آنان را نابود خواهیم کرد. آنان پیش‌تر توان خود را آزموده‌اند و با هر آنچه در اختیار داشتند، به میدان آمده‌اند، اما از دستیابی به هدف خود بازمانده‌اند. فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا با اشاره به نیت‌های شوم دشمنان خاطرنشان کرد: هدف آنان نابودی جمهوری اسلامی بود، اما نتوانستند آن را محقق کنند؛ از این رو، تا این لحظه، رژیم صهیونیستی و آمریکا شکست‌خوردگان قطعی میدان هستند. سرلشکر عبداللهی همچنین تأکید کرد: شگفتانه‌ها در جنگ آینده، یکی پس از دیگری نمایان خواهد شد.

فرمانده هوافضا: آماده مقابله با هر تهدیدی در منطقه و فرامنطقه هستیم

فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم رونمایی از شهر موشکی جدید نیروی هوافضای سپاه گفت: امروز آمادگی مقابله با هر تهدیدی را در منطقه و فرامنطقه داریم.

سردار سید مجید موسوی در مراسم رونمایی از شهر موشکی جدید نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که با حضور سرلشکر عبداللهی برگزار شد، با اشاره به میراث فرماندهان این نیرو اظهار کرد: توانمندی‌های به یادگار مانده از فرماندهان ارزشمند نیروی هوافضا، امروز ابزاری دفاعی، مستحکم و قابل اتکا برای حفاظت از مردم بزرگوار و پیروی از فرمایشات و منویات فرماندهی معظم کل قوا در برابر دشمنان است.

وی افزود: امروز به شکلی قابل قبول و قابل اتکا، آمادگی مقابله با هر تهدیدی را در منطقه و فرامنطقه داریم.

دشمنان از هرگونه طمع ورزی به کشور دست بردارند

سردار موسوی با تأکید بر اینکه دشمنان نباید چشم طمع به کشور داشته باشند، تصریح کرد: با اتکا به مردم بزرگواری که امروز معجزه‌گون مبعوث شده‌اند و بیش از ۹ ماه حضور ارزشمند خود را در میدان‌ها و خیابان‌ها به نمایش گذاشته‌اند، ان‌شاءالله صلابت، استقامت و پایمردی خود را در برابر دشمنان نشان خواهیم داد و آنان را از هرگونه خطا و اشتباه منصرف خواهیم کرد. وی تأکید کرد: البته اگر ضرورت پیدا کند، تمام ظرفیت‌های آنان را در منطقه و فرامنطقه زیر آتش خود خواهیم گرفت و چیزی جز شکست و هزیمت برای دشمن باقی نخواهیم گذاشت.

تجهیزات جدید در سازمان رزم نیروی هوافضا

سردار موسوی با اشاره به تداوم آمادگی رزمندگان این نیرو اظهار کرد: در همه عرصه‌های نبرد، رزمندگان نیروی هوافضا همچون دو جنگ گذشته پای کار نظام خواهند بود. وی همچنین گفت: ان‌شاءالله در پایان هر مرحله از ایجاد فرصت‌ها و آمادگی‌ها، شاهد محصولات، سلاح‌ها و تجهیزات جدیدی در سازمان رزم نیروی هوافضا خواهید بود.

۲

نسخه نجات صنعت؛

عبور از شوک درمانی با کارورهای انرژی

در شرایط کمبود گاز در فصل سرد امسال، دولت باید به جای گران‌سازی گاز و فشار مردم، از طریق توسعه طرح کارور انرژی از تعطیلی کارخانجات جلوگیری کند.

نقشه ایران خودرو برای آزادسازی قیمت‌ها شکست خورد

ایران خودرو و یکی از سهام‌داران آن با طرح شکایتی در دیوان عدالت اداری، خواستار ابطال دستورالعمل تنظیم بازار خودرو و مصوبات قیمت‌گذاری شورای رقابت شدند.

شاکیان مدعی بودند تعدد تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان خودرو، بازار خودرو را از شمول انحصار خارج کرده و تعیین قیمت مصداقی خودروهای مونتاژی نیز خارج از حدود اختیارات قانونی شورای رقابت است. اما هیات تخصصی صنایع و بازرگانی دیوان عدالت اداری با رد شکایت، مقررات مورد اعتراض را خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شورای رقابت ندانست و بر صلاحیت قانونی این شورا در تنظیم دستورالعمل قیمت‌گذاری کالاها و خدمات انحصاری تأکید کرد. پیشینه این مناقشه به ابلاغ دستورالعمل تنظیم بازار خودرو در سال ۱۴۰۱ و مصوبات بعدی شورای رقابت در تعیین قیمت خودروهای مونتاژی و داخلی بازمی‌گردد. خودروسازان پیش‌تر نیز با استناد به ماده ۶۵ قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ و ایراد به نحوه ابلاغ، بارها به دنبال خروج از قیمت‌گذاری دستوری و ابطال مصوبات ۵۴۳، ۵۸۴ و ۵۹۴ بودند.

دیوان عدالت اداری می‌گوید تعیین مصادیق و تصویب دستورالعمل تنظیم قیمت، مقدار و شرایط دسترسی به بازار کالاها و خدمات انحصاری، مطابق بند ۵ ماده ۵۸ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، از وظایف و اختیارات شورای رقابت است.

تورم از حبس آماری خارج شد



روزنامه چارسوق در شماره دوشنبه ۱۸ مهرماه خود از سانسور آمارهای اقتصادی توسط بانک مرکزی از جمله آمار نرخ تورم مهرماه انتقاد کرده بود. دیروز سه‌شنبه بانک مرکزی اقدام به انتشار آمار تورم مهرماه کرد.

امید می‌رود سایر آمارهای محبوس از جمله آمارهای پولی نیز توسط بانک مرکزی جهت اطلاع عموم منتشر شود.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۰۴



لبنیات باز هم گران شد

در حالی که نرخ مصوب شیر خام از اردیبهشت‌ماه تاکنون تغییری نکرده است، بررسی قیمت محصولات لبنی در بازار از افزایش قابل توجه بهای برخی اقلام حکایت دارد؛ به طوری که قیمت شیر کم‌چرب بطری یک لیتری در نمونه‌های بررسی‌شده حدود ۱۰۱ درصد افزایش یافته است. بازار لبنیات در ماه‌های اخیر با موج جدیدی از افزایش قیمت مواجه شده است. بررسی قیمت نمونه‌ای از محصولات لبنی در شهریور و آبان ۱۴۰۵ نشان می‌دهد قیمت برخی اقلام رشد قابل توجهی داشته است؛ اتفاقی که در کنار ثبات نرخ مصوب شیر خام، پرسش‌های جدی درباره مبنای قیمت‌گذاری صنایع لبنی ایجاد می‌کند.

مسئله اصلی اینجاست که صنایع لبنی، افزایش هزینه ماده اولیه را یکی از دلایل اصلی درخواست برای اصلاح قیمت محصولات خود عنوان می‌کنند اما آیا افزایش قیمت شیر خام در ماه‌های اخیر به اندازه‌ای بوده که بتواند جهش قیمت محصولات نهایی را توضیح دهد؟

برای بررسی این موضوع، ابتدا باید روند قیمت مصوب شیر خام را مرور کرد. در اول دی‌ماه ۱۴۰۴، قیمت مصوب هر کیلوگرم شیر خام ۲۹ هزار و ۵۰۰ تومان تعیین شد. این نرخ در مصوبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ به ۶۰ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش یافت؛ به این ترتیب، قیمت مصوب شیر خام نسبت به نرخ قبلی حدود ۱۰۵ درصد رشد کرد.

با این حال، از زمان تصویب نرخ جدید در اردیبهشت‌ماه تا نیمه آبان امسال، نرخ مصوب شیر خام مجدداً تغییر نکرده است. حتی در جلسه ۱۳ آبان کارگروه تنظیم بازار نیز قیمت ۶۰ هزار و ۵۰۰ تومانی به عنوان مبنای محاسبات کارخانه‌های لبنی مورد تاکید قرار گرفت.

در این میان، دامداران نیز خواستار اصلاح دوباره قیمت شیر خام هستند. جواد ابراهیمی، مدیرعامل اتحادیه سراسری دامداران اعلام کرده که نرخ مصوب فعلی حدود ۶۰ هزار تومان است و اتحادیه دامداران درخواست افزایش آن به ۸۰ هزار تومان را مطرح کرده؛ با این حال، به اعتقاد وی بعید است رقم نهایی بیش از ۷۰ هزار تومان تصویب شود.

بنابراین باید میان نرخ مصوب فعلی و پیشنهاد دامداران تفاوت قائل شد؛ به هر حال درخواست افزایش قیمت، به معنای تصویب و ابلاغ نرخ جدید نیست. این در حالی است که بررسی قیمت محصولات لبنی در بازار نشان می‌دهد علاوه بر افزایش هزینه‌های تولید، تفاوت قابل توجهی میان قیمت برندهای مختلف نیز وجود دارد؛ اختلافی که در برخی محصولات به ده‌ها هزار تومان می‌رسد. برای نمونه، قیمت شیر پرچرب بطری یک لیتری برند روزانه ۱۶۵ هزار تومان و کاله ۱۷۹ هزار تومان است. در بسته‌بندی ۹۴۵ میلی‌لیتری نیز شیر ماهاشم ۱۶۱ هزار تومان و دومینو ۱۲۳ هزار و ۵۰۰ تومان قیمت دارد. در بخش شیر کم‌چرب کیسه‌ای نیز محصول کاله با قیمت ۱۳۰ هزار تومان عرضه می‌شود، در حالی که قیمت همین نوع محصول از برند پگاه ۸۸ هزار و ۲۰۰ تومان است.

این اختلاف قیمت در سایر فرآورده‌های لبنی نیز مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه، ماست همزده پرچرب ۱.۸ کیلوگرمی هراز ۴۳۸ هزار تومان و محصول مشابه کاله ۴۶۸ هزار تومان قیمت دارد. در بازار کره نیز اختلاف قیمت برندها قابل توجه است؛ به‌طوری که کره ۱۰۰ گرمی میهن ۱۰۰ هزار تومان، پاک ۱۳۰ هزار تومان و محصولات شکلی، پگاه و دامداران هرکدام ۱۲۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده‌اند. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد بازار لبنیات با دامنه متنوعی از قیمت‌ها مواجه است و مصرف‌کنندگان برای خرید محصولات مشابه، بسته به برند انتخابی خود هزینه‌های متفاوتی می‌پردازند. از همین رو، بررسی وضعیت بازار تنها با استناد به یک قیمت یا یک برند نمی‌تواند تصویر دقیقی از وضعیت قیمت لبنیات ارائه دهد.

آیا افزایش قیمت‌ها توجیه اقتصادی دارد؟

صنایع لبنی اعلام می‌کنند حدود ۷۰ درصد هزینه تولید محصولاتشان به شیر خام اختصاص دارد. اگر این نسبت را مبنای محاسبه قرار دهیم، می‌توان اثر افزایش احتمالی قیمت شیر خام را بر هزینه تولید محصولات نهایی برآورد کرد.

برای مثال، اگر قیمت شیر خام از ۶۰ هزار و ۵۰۰ تومان به ۷۰ هزار تومان افزایش پیدا کند، با فرض ثابت ماندن سایر هزینه‌ها، هزینه تولید محصول نهایی حدود ۱۱ درصد افزایش خواهد یافت. حتی اگر درخواست ۸۰ هزار تومانی دامداران پذیرفته شود، اثر این افزایش بر هزینه تولید محصولات لبنی حدود ۲۲.۶ درصد خواهد بود. این در حالی است که در نمونه‌های بررسی‌شده، قیمت برخی محصولات نهایی بین ۷۰ تا ۱۰۱ درصد افزایش داشته است. البته این محاسبه به معنای نادیده گرفتن هزینه‌های بسته‌بندی، انرژی، دستمزد، حمل‌ونقل و توزیع نیست اما نشان می‌دهد استناد صرف به افزایش احتمالی قیمت شیر خام، برای توجیه چنین جهش‌هایی کافی نیست.

از سوی دیگر، نرخ جدید شیر خام هنوز تصویب نشده و نمی‌توان هزینه احتمالی آینده را بدون ارائه مستندات، مبنای قطعی افزایش قیمت محصولات فعلی قرار داد.

پیش‌دستی صنایع لبنی و ضعف نظارت

علی احسان ظفری، مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های لبنی ایران در اظهارات اخیر خود اعلام کرده که براساس جلسه ۱۳ آبان کارگروه تنظیم بازار، هیچ مجوز جدیدی برای افزایش قیمت شیر خام و چربی صادر نشده و کارخانه‌ها باید محاسبات خود را براساس نرخ ۶۰ هزار و ۵۰۰ تومانی شیر خام و چربی ۶۵۰ تومان انجام دهند.

وی همچنین هشدار داده که هرگونه افزایش قیمت محصولات لبنی بدون مجوز، با برخورد دستگاه‌های نظارتی مواجه خواهد شد.

این اظهارات یک پرسش جدی ایجاد می‌کند: اگر نرخ مصوب شیر خام تغییر نکرده و کارخانه‌ها نیز موظف به محاسبه محصولات براساس نرخ قبلی هستند، افزایش قیمت برخی محصولات لبنی بر چه مبنایی انجام شده است؟ البته مشکلات دامداران و افزایش هزینه‌های تولید آنها نیز قابل چشم‌پوشی نیست. تثبیت طولانی‌مدت قیمت شیر خام بدون توجه به هزینه واقعی تولید می‌تواند انگیزه دامداران را کاهش دهد و در نهایت عرضه شیر را تحت فشار قرار دهد. اما حل این مسئله نباید به انتقال بی‌ضابطه هزینه‌ها به مصرف‌کنندگان منجر شود.

در چنین شرایطی، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و سایر دستگاه‌های نظارتی باید درباره مبنای افزایش قیمت‌ها شفاف‌سازی کنند. بررسی فاکتورهای خرید شیر خام، هزینه واقعی تولید و قیمت فروش کارخانه‌ها می‌تواند مشخص کند چه بخشی از گرانی ناشی از افزایش هزینه‌ها و چه بخشی حاصل تصمیمات قیمت‌گذاری بنگاه‌هاست.

در نهایت مسئله فقط افزایش قیمت شیر خام یا اختلاف میان دامداران و صنایع لبنی نیست؛ پرسش اصلی این است که چرا پیش از تصویب نرخ جدید ماده اولیه، قیمت برخی محصولات نهایی با چنین شتابی افزایش یافته است؟ بازار لبنیات به جای هشدارهای تکراری درباره ممنوعیت گرانی، به شفافیت در قیمت‌گذاری، نظارت مؤثر و پاسخ‌گویی صنایع تولیدی نیاز دارد.



نسخه نجات صنعت؛

عبور از شوک درمانی با کارورهای انرژی

در شرایط کمبود گاز در فصل سرد امسال، دولت باید به جای گران‌سازی گاز و فشار بر مردم از طریق توسعه طرح کارور انرژی از تعطیلی کارخانجات جلوگیری کند

گزارش

زمستان سرد در جغرافیای اقتصاد ایران، دیگر صرفاً یک پدیده متداول آب‌وهوایی نیست که بتوان با هشدارهای روزمره سازمان هواشناسی از کنار آن گذشت. زمستان امروز به جبهه جدیدی در جنگ اقتصادی و ترکیبی علیه زیرساخت‌های حیاتی کشور تبدیل شده است. معادله ناترازی گاز دیگر یک اختلال فصلی و مقطعی برای عبور از ماه‌های سرد سال ارزیابی نمی‌شود، بلکه این پدیده اکنون با ابعادی بی‌سابقه، به یک تهدید امنیتی عمیق علیه تاب‌آوری ملی و شریان‌های تولید تغییر ماهیت داده است.

برای درک عمق این تهدید خاموش، کافی است به یاد بیاوریم که در کنار ناترازی ساختاری ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیون مترمکعبی که سال‌هاست گریبان‌گیر اقتصاد ماست، حملات دشمن آمریکایی-صهیونیستی به چهار پالایشگاه کشور در اسفندماه گذشته، ضربه‌ای کاری بر پیکره تأمین انرژی وارد کرده است.

اگرچه با تلاش جهادی و شبانه‌روزی متخصصان داخلی، حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب از ۲۳۰ میلیون مترمکعب ظرفیت ازدست‌رفته در کمترین زمان ممکن به مدار تولید بازگشت، اما کشور در آستانه زمستان امسال همچنان با کسری مبرم ۱۳۰ میلیون مترمکعبی ناشی از این حملات دست‌وپنجه نرم می‌کند. در چنین میدانی دیگر نمی‌توان با توصیه‌های اخلاقی صرف و تقاضای شفاهی برای کاهش مصرف از بحران عبور کرد، اقتصاد ملی و خطوط تولید نیازمند یک سپر دفاعی مستحکم و عملیاتی هستند.

تبدیل ناترازی گاز به تهدید امنیتی برای تاب‌آوری خطوط تولید

در مواجهه با تشدید ناترازی گاز رویکرد غالب در مدیریت انرژی کشور، انتقال بار این کسری به بخش مولد و اعمال محدودیت بر صنایع بوده است. بررسی داده‌های مصرف، ابعاد این عدم تعادل ساختاری را به خوبی نشان می‌دهد؛ در دی‌ماه سال گذشته تقاضای گاز در بخش‌های خانگی، تجاری و صنایع جزء به ۶۹۰ میلیون مترمکعب (معادل ۷۹ درصد کل گاز تحویلی کشور) رسید. این روند صعودی در نخستین روزهای بهمن‌ماه، عدد بی‌سابقه ۷۲۶ میلیون مترمکعب را ثبت کرد؛ رقمی که نشان می‌دهد مصرف غیرمولد به‌تنهایی ۸۳ درصد از کل جریان گاز شبکه کشور را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر بنا بر اعلام شرکت ملی گاز، کاهش تنها یک درجه از دمای هوا، ۲۵ میلیون مترمکعب (دقیقاً معادل تولید یک فاز استاندارد در پارس جنوبی) به تقاضای شبکه می‌افزاید. تقاطع این آمارهای مصرف با سیاست قطع گاز کارخانه‌ها، به معنای آسیب‌پذیری شدید اقتصاد در برابر نوسانات فصلی دما و توقف اجباری خطوط تولید در ماه‌های سرد سال است.

قطعی گاز کارخانه‌های سیمان، فولاد و پتروشیمی‌ها، صرفاً به معنای خاموش شدن چند کوره صنعتی نیست. این اتفاق سرآغاز یک دومینوی ویرانگر اقتصادی است. توقف خطوط تولید به معنای کاهش شدید ارزآوری در شرایط تحریم، توقف رشد اقتصادی، برهم خوردن تعادل عرضه و تقاضا در بازار کالاها و درنهایت، ضربه مستقیم به معیشت هزاران کارگر ایرانی است.

علاوه بر این محدودیت گاز صنایع و نیروگاه‌ها، دولت را ناچار به استفاده از سوخت‌های مایع جایگزین (مانند مازوت و گازوئیل) می‌کند که علاوه بر هدررفت ذخایر استراتژیک سوخت در زمان جنگ، هزینه‌های سنگین زیست‌محیطی و آلودگی کلان شهرها را نیز به دنبال دارد. همچنین در شرایطی که سیاست‌های کلان نظام بر محوریت جهش تولید استوار است، خاموشی کارخانه‌ها به بهانه تأمین گرمایش هدررفته در ساختمان‌های غیراستاندارد، نقض آشکار اهداف اقتصاد مقاومتی است.

ناکارآمدی سیاست شوک‌درمانی و الزام به تغییر الگوی مدیریت انرژی

در مواجهه با بحران ناترازی راهکارهای سنتی و متداول در اقتصاد ایران عملاً به بن‌بست رسیده‌اند و کشور نیازمند یک تغییر الگوی اساسی است. از یک سو جریاناتی همواره نسخه شوک‌درمانی و افزایش شدید قیمت گاز خانگی را برای کنترل مصرف روی میز می‌گذارند، غافل از اینکه در شرایط جنگی فعلی و زیر بار فشارهای سنگین تورمی، دست بردن در جیب مردم خط قرمزی است که معیشت خانوارها تحمل آن را ندارد. وقتی ۹۸ درصد جمعیت کشور به شبکه گاز وابسته‌اند و بخش عمده‌ای از اتلاف انرژی ناشی از فرسودگی تجهیزات است، افزایش قیمت صرفاً به کوچک‌تر شدن سفره مردم می‌انجامد، بی‌آنکه تأثیر معناداری در ارتقای بازدهی موتورخانه‌ها داشته باشد.

از سوی دیگر تکیه انحصاری بر مدیریت عرضه یعنی حفر چاه‌های جدید و ساخت پالایشگاه‌های تازه‌نفس نیز دیگر پاسخگو نیست. افت فشار در میادین پارس جنوبی یک واقعیت مهندسی است و تعریف پروژه‌های جدید فشارافزایی، علاوه بر نیاز به ده‌ها میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی، پروژه‌هایی زمان‌بر (۵ تا ۱۰ ساله) هستند که در کوتاه‌مدت و برای زمستان‌های پیش رو، هیچ دردی از صنعت دوا نمی‌کنند. وقتی سهم گاز در سبد انرژی کشور به حدی رسیده که این سوخت از یک کالای صنعتی به یک مؤلفه صد درصد امنیتی تبدیل شده است، چاره کار نه در شوک درمانی قیمتی است و نه در توسعه زمان‌بر میادین، بلکه کلید حل معما در مدیریت هوشمند تقاضا نهفته است.

شرکت‌های کارور به عنوان بازوی اجرایی مدیریت هوشمند تقاضا

یکی از راهکارهای نهادی برای عبور از معادله پیچیده ناترازی، توسعه فعالیت شرکت‌های کارور انرژی (ESCO) است. این شرکت‌های تخصصی و دانش‌بنیان، به عنوان محرک بخش خصوصی و واسطه میان شبکه تأمین و مصرف‌کننده نهایی وارد میدان می‌شوند. الگوی عملیاتی کارورها تجلی عینی اجرای بندهای ۴ و ۸ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (کاهش شدت انرژی و ارتقای بهره‌وری) است. در این سازوکار کارورها با اتکا به سرمایه و دانش فنی خود پروژه‌های بهینه‌سازی را در ساختمان‌های پرمصرف، موتورخانه‌های فرسوده و صنایع ناکارآمد اجرا می‌کنند. مزیت راهبردی این الگو آن است که اصلاح زیرساخت‌های مصرف، بدون ایجاد بار مالی برای بودجه عمومی دولت و یا تحمیل هزینه مستقیم به مشترکان محقق می‌شود.

حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد مصرف گاز واحدهای مسکونی در فصل سرد، صرف گرمایش می‌شود که به دلیل ضعف زیرساختی تجهیزات، سهم هدررفت انرژی در این بخش بسیار بالاست. اقداماتی نظیر جایگزینی سیستم‌های گرمایشی فرسوده با فناوری‌های هرمتیک پربازده، عایق‌بندی و هوشمندسازی موتورخانه‌ها توسط کارورها، می‌تواند این اتلاف را مهار کرده و ظرفیت آزادشده را به استمرار فعالیت بخش تولید اختصاص دهد.

شواهد میدانی نیز اثربخشی این الگو را تأیید می‌کند. به عنوان نمونه تغییر فناوری در واحدهای آجرپزی، مصرف گاز را از ۳۰۰ مترمکعب در هر تن، به ۲۷٫۴ مترمکعب کاهش داده است. همچنین استفاده از دستاوردهای شرکت‌های دانش‌بنیان در نانوایی‌های صنعتی، افت ۵۰ تا ۷۰ درصدی مصرف انرژی و هم‌زمان ارتقای کیفیت محصول را به همراه داشته است. در این چارچوب بازگشت سرمایه و سود شرکت‌های کارور از طریق تخصیص گواهی صرفه‌جویی گاز تضمین می‌شود. اوراقی که ارزش معاملات اخیر آن در بورس انرژی به ازای هر مترمکعب حدود ۷۴ هزار و ۵۰۰ تومان کشف قیمت شده و انگیزه اقتصادی قدرتمندی را برای مشارکت بخش خصوصی در کنترل ناترازی فراهم می‌آورد.

معماری مالی شرکت‌های کارور برای خلق ثروت از مسیر بهینه‌سازی مصرف

برخلاف پیمانکاران سنتی کارورها صرفاً توزیع‌کننده تجهیزات نیستند بلکه صرفه‌جویی محقق شده را به عنوان یک خدمت عرضه می‌کنند. کارورها پس از ممیزی دقیق انرژی با سرمایه خود تجهیزات پربازده و سیستم‌های هوشمند را در ساختمان‌ها یا واحدهای صنعتی مستقر می‌سازند. پس از اثبات کاهش هدررفت شرکت ملی گاز میزان دقیق گاز حفظ شده را تأیید می‌کند.

در این مرحله مهم‌ترین ابزار مالی این الگو یعنی گواهی صرفه‌جویی گاز متولد می‌شود. دولت به جای تخصیص بودجه عمرانی معادل حجم گاز صرفه‌جویی شده را در قالب گواهی به شرکت کارور می‌دهد. این اوراق در بورس انرژی قابل معامله هستند و بهای هر مترمکعب آن اخیراً حدود ۷۴ هزار و ۵۰۰ تومان کشف قیمت شده است.

خریداران اصلی این گواهی‌ها صنایع انرژی‌بر و کارخانجات بزرگی هستند که در فصول سرد با خطر توقف تولید مواجه‌اند. صنعتگر با خرید این اوراق از بورس هم سرمایه در گردش کارور را تأمین می‌کند و هم سهمیه گاز خود را تضمین می‌نماید. این ساختار بار مالی را از دوش دولت برداشته و نقدینگی بخش خصوصی را به سمت توسعه زیرساخت هدایت می‌کند.

با وجود هدف‌گذاری صرفه‌جویی یک میلیارد مترمکعبی تا پایان سال موفقیت نهایی در گرو روان‌سازی امور اجرایی است. گلوگاه فعلی این سازوکار تأخیر در صدور به موقع گواهی‌هاست. کارورها برای استمرار عملیات خود نیازمند نقدینگی هستند و معطلی در پیچ و خم بوروکراسی جریان سرمایه‌گذاری را متوقف می‌کند. پیاده‌سازی کامل الگوی کارور نیازمند هماهنگی فرابخشی و تسریع فرآیندهای رگولاتوری است تا قراردادها به جریانی واقعی برای نوسازی تجهیزات و تضمین امنیت تولید در زمستان تبدیل شوند.

قطعی گاز کارخانه‌های سیمان، فولاد و پتروشیمی‌ها، صرفاً به معنای خاموش شدن چند کوره صنعتی نیست. این اتفاق سرآغاز یک دومینوی ویرانگر اقتصادی است. توقف خطوط تولید به معنای کاهش شدید ارزآوری در شرایط تحریم، توقف رشد اقتصادی، برهم خوردن تعادل عرضه و تقاضا در بازار کالاها و درنهایت، ضربه مستقیم به معیشت هزاران کارگر ایرانی است

شکست در کریدور گازی؛

توقف ارتباط گاز ترکمنستان و ترکیه

فشارهای آمریکا و تحریم‌های اوفک، ترکیه را ناچار به توقف واردات گاز ترکمنستان از مسیر ایران کرد. این تصمیم علاوه بر وارد کردن خسارت سنگین به عشق‌آباد در تنوع بخشی به صادرات، استقلال راهبردی آنکارا در تبدیل شدن به هاب گاز منطقه را تضعیف کرده و پروژه‌های جایگزین ترانس خزر را با ابهام مواجه ساخته است.

اظهارات اخیر آلپ ارسلان بایراکتار، وزیر انرژی ترکیه در نشست با نمایندگان رسانه‌های بین‌المللی نشان داد که آنکارا تحت فشارهای ایالات متحده، واردات گاز طبیعی از ترکمنستان از طریق مسیر ایران را متوقف کرده است. آنکارا دریافت گاز از ترکمنستان را از مارس ۲۰۲۵ و در چارچوب توافقی برای تأمین سالانه ۱.۳ میلیارد مترمکعب گاز با استفاده از زیرساخت‌های ایران آغاز کرده بود و شرکت «بوتاش» نیز مجوز واردات را تا سال ۲۰۳۳ در اختیار داشت. با این حال، عشق‌آباد در اکتبر ۲۰۲۵ عرضه گاز را قطع و اعلام کرد دو کشور دارای قراردادی کوتاه‌مدت هستند و تا زمان دستیابی به توافق قطعی درباره حجم و قیمت، امکان استمرار فروش گاز به آنکارا وجود ندارد.

اگرچه وزیر انرژی ترکیه اوایل سال جاری از احتمال ازسرگیری این واردات خبر داده بود اما این برنامه‌ها اجرایی نشد. دو روز پیش نیز بایراکتار تصریح کرد که چالش اصلی، تنش‌های میان ایالات متحده و ایران است که از ماه فوریه شدت گرفته است. بایراکتار در این باره گفت: «ما این جریان را متوقف کردیم، زیرا دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (اوفک) در این مسئله دخیل بود. وضعیت میان ایران و ایالات متحده تشدید شده، هرچند که ما هیچ‌گونه پرداختی به ایران انجام نمی‌دادیم.»

زیان بزرگ ترکمن‌ها

ذخایر گاز ترکمنستان از جمله بزرگ‌ترین ذخایر گاز جهان است و این کشور علاقه‌مند به صادرات آن به بازارهای خارجی است. در آغاز دوران پس از فروپاشی شوروی، ترکمنستان از خطوط لوله گاز قدیمی شوروی برای صادرات گاز خود، عمدتاً به اوکراین، به امید دسترسی به بازار اروپا استفاده می‌کرد و روسیه نیز مقادیر قابل توجهی از گاز ترکمنستان را خریداری می‌کرد. همچنین، مسکو با اجازه دادن به ترکمنستان برای استفاده از زیرساخت‌های حمل‌ونقل خود امیدوار بود که کنترل عشق‌آباد را حفظ و با فروش مجدد گاز ترکمنستان نفع اقتصادی ببرد. اما هیچ یک از این انتظارات محقق نشد و درنتیجه، روسیه خرید گاز ترکمنستان را کاهش و در سال ۲۰۱۶ به طور کامل متوقف شد. از همین رو چرخش راهبردی ترکمنستان به سمت پکن با انعقاد توافق‌نامه ژوئن ۲۰۰۷ برای احداث خط لوله‌ای جهت اتصال میادین گازی این کشور به بازار چین کلید خورد. این تحول به قربانقلی بردی محمدوف، رئیس جمهور وقت ترکمنستان اجازه داد تا در آوریل ۲۰۰۹ از امضای اسناد مربوط به توسعه خط لوله دوران شوروی خودداری کند.

در دسامبر ۲۰۰۹، این خط لوله جدید طی مراسمی رسمی با حضور سران کشورهای چین، قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان افتتاح شد و پس از مدتی چین به مقصد اصلی صادرات گاز ترکمنستان تبدیل شد، به طوری که در سال ۲۰۱۶، عشق‌آباد عنوان بزرگ‌ترین تأمین‌کننده خارجی گاز پکن را به خود اختصاص داد. در این میان، برای ایران نیز همکاری گازی با ترکمنستان فراتر از تأمین نیازهای داخلی، مزایای ژئوپلیتیکی مهمی به همراه داشت. اعطای مجوز به ترکمنستان برای ترانزیت گاز به سمت غرب، تصویر مثبتی از ایران به عنوان یک بازیگر و تأمین‌کننده قابل اعتماد در عرصه انرژی ترسیم می‌کرد که ضمن درک دغدغه‌های امنیتی اروپا، به تنوع بخشی به منابع انرژی اروپا کمک می‌کند. تهران همچنان نقش‌آفرینی به عنوان کریدور ترانزیت گاز را چشم‌اندازی کلیدی می‌داند.

با این حال، تداوم تنش در مناسبات ایران و غرب، به‌ویژه ایالات متحده و بازگشت سایه تحریم‌ها، قراردادهای بلندمدت ترانزیت گاز از خاک ایران را با ریسک‌های بالایی مواجه ساخته است. همچنین، یکی از موانع ساختاری در برابر نقش‌آفرینی ایران به عنوان مسیر ترانزیت، وابستگی این کریدور به ترکیه است که روابط سیاسی آن با تهران همواره با نوسانات و عدم هماهنگی‌هایی روبه‌رو بوده است.

در این راستا، ترکمنستان در پنج سال اخیر دو قرارداد مهم با عراق و ترکیه برای گسترش بازار صادراتی از طریق ایران منعقد کرده که در هر دو مورد نیز با دخالت ایالات متحده با بن‌بست مواجه شده است. در واقع زیان تصمیم اخیر ترکیه برای توقف گاز وارداتی بیش از همه متوجه عشق‌آباد خواهد و کماکان این کشور را در تبدیل منابع گازی به درآمد ملی با مانع جدی مواجه می‌کند.



هاب ترکیه در خطر

در سال‌های اخیر ترکیه و ایران رقابت جدی بر سر تبدیل شدن به هاب انرژی به‌ویژه گاز منطقه را داشته‌اند. موقعیت ژئوپلیتیکی منحصربه‌فرد ترکیه بیش از هر چیز ریشه در این واقعیت ساختاری دارد که این کشور با وجود برخورداری از ذخایر محدود هیدروکربنی، در میان همسایگان ثروتمند از منابع انرژی احاطه شده است. این تقاطع آنکارا را ناگزیر ساخته تا روابطی راهبردی با کانون‌های انرژی پیرامونی خود دنبال کند.

همچنین در پاسخ به رشد تقاضای داخلی، مقوله «امنیت انرژی» طی دو دهه گذشته به جزء مهمی از سیاست خارجی ترکیه تبدیل شده و جستجوی منابع هیدروکربنی، به‌ویژه گاز طبیعی، در صدر اهداف کلیدی ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک این کشور قرار گرفته است. راهبرد کلان ترکیه به عنوان کشوری وابسته به واردات، بر محورهای مختلفی قرار دارد که تبدیل شدن به هاب ترانزیت انرژی یکی از آن‌هاست و به دنبال تثبیت جایگاه ترکیه به عنوان کریدور حیاتی ترانزیت، مرکز ثقل تأمین انرژی به مقصد بازارهای اروپایی و ادغام عمیق‌تر در معماری امنیت انرژی منطقه‌ای است.

دریای سیاه به عنوان یک قطب انرژی حیاتی، مسیر ورود گاز از روسیه را از طریق خط لوله‌های «بلواستریم» و «ترک‌استریم» به ترکیه هموار کرده است. در همین حال دریای خزر به عنوان حوزه‌ای سرشار از هیدروکربن، منبع اصلی تأمین نفت و گاز آنکارا محسوب می‌شود؛ به طوری که این کشور از طریق خط لوله باکو-تفلیس-جیحان و کریدور گاز جنوبی به منابع آذربایجان متصل است.

در نهایت، در جنوب ترکیه، حوزه مدیترانه شرقی طی دهه گذشته و به دنبال اکتشافات جدید به یکی از منابع نوظهور گاز طبیعی تبدیل شده که همین امر موجبات افزایش تمرکز آنکارا و بازتعریف رویکردهای سیاست خارجی این کشور در این منطقه را فراهم آورده است. در این میان، بخش دریای خزر به دلیل منابع بالا از اهمیت بالایی برخوردار است. اما براساس برخی برآوردها منابع انرژی جمهوری آذربایجان در حال کاهش بوده که این امر می‌تواند اهمیت ترکمنستان را دوچندان کند. درواقع توقف واردات گاز ترکمنستان به بهانه تحریم‌های ایران، مغایر با راهبرد آنکارا در هاب گاز منطقه است. همچنین این امر می‌تواند استقلال راهبردی این کشور را با تسلیم شدن در برابر فرامین یک قدرت خارجی زیر سؤال می‌برد.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
■ چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۵ ■ سال سوم ■ شماره ۶۰۴

اخبار



چگونه می‌توان هزینه ناترازی گاز را از دوش صنعت برداشت؟

با فرارسیدن فصل سرما و افزایش فزاینده تقاضا برای مصرف گاز طبیعی در بخش‌های خانگی، صنایع و بخش‌های مولد بار دیگر با افت فشار و بحران تأمین مواجه می‌شوند.

با فرارسیدن فصل سرما و افزایش فزاینده تقاضا برای مصرف گاز طبیعی در بخش‌های خانگی، عمومی و تجاری، شبکه سراسری انتقال گاز کشور در مواجهه با ناترازی انباشت‌شده سالیان گذشته، بار دیگر با افت فشار و بحران تأمین مواجه می‌شود. در این میان، طبق پروتکل‌های مرسوم مدیریت شبکه، نخستین و سریع‌ترین اهرم کنترلی برای تعادل‌بخشی به شبکه، اعمال محدودیت یا قطع موقت گاز صنایع بزرگ و واحدهای تولیدی است.

این پدیده سال‌هاست که به عنوان قصه پرغصه زمستان‌های اقتصاد ایران شناخته می‌شود؛ داستانی تکراری که هرچند مانع از افت فشار گاز در منازل مسکونی می‌گردد اما هزینه‌های هنگفت، تبعات جبران‌ناپذیر و چالش‌های ساختاری عمیقی را به پیکر نیمه‌جان بخش تولید، کارخانه‌ها و زنجیره‌های ارزش صنعتی کشور تحمیل می‌کند. بنگاه‌های اقتصادی در چنین فضایی برای حفظ حیات، استمرار اشتغال و صیانت از سرمایه‌گذاری‌های انباشته‌شده، ناچار به بازنگری اساسی در رویکردهای عملیاتی خود هستند.

بحران ناترازی انرژی

برای درک چرایی و عمق بحران محدودیت گاز در زمستان، پیش از هر چیز باید ریشه‌های ساختاری ناترازی انرژی در کشور را واکاوی کرد. عدم توازن میان نرخ رشد فزاینده تقاضای انرژی در بخش‌های مختلف و میزان توسعه، بهره‌برداری و نوسازی میادین گازی بالادستی، ناترازی عظیمی را به وجود آورده که در سردترین ماه‌های سال به نقطه اوج خود می‌رسد. شبکه گاز کشور به گونه‌ای طراحی شده که اولویت نخست قانون‌گذار و شرکت ملی گاز در زمان بحران، تأمین گرمایش منازل و مراکز حیاتی عمومی است.

در این میان، بخش صنعت که سهم عمده‌ای از مصرف گاز کل کشور را به خود اختصاص می‌دهد، به عنوان موازنه‌گر شبکه عمل می‌کند. قطع یا سهمیه‌بندی گاز واحدهای فولادی، پتروشیمی، سیمانی، کاشی و سرامیک و صنایع فلزی، اگرچه در ظاهر چند هفته‌ای از بار شبکه می‌کاهد اما اثرات آن به صورت زنجیره‌وار به سایر بخش‌های اقتصاد سرایت می‌کند. توقف تولید در این صنایع مادر، کمبود مواد اولیه در صنایع پایین‌دستی را به دنبال دارد و در نهایت، موجی از تورم انتظاری، کاهش عرضه کالا، تعدیل نیروی انسانی و اخلال در تعهدات صادراتی را ایجاد می‌کند که ترمیم آن ماه‌ها به طول می‌انجامد.

آسیب‌های فنی و تولیدی

اعمال محدودیت‌های گازی فراتر از یک چالش مقطعی انرژی، پیامدهای سنگین فنی و اقتصادی به دنبال دارد که بسیاری از مدیران صنعتی را دچار استیصال می‌کند. خطوط تولید در صنایع پیوسته نظیر فولاد احیای مستقیم، پتروشیمی‌های متانولی یا واحدهای پخت سیمان، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که قطع ناگهانی یا کاهش شدید سوخت ورودی، آسیب‌های فیزیکی و مکانیکی جبران‌ناپذیری به تجهیزات و کوره‌ها وارد می‌سازد.

سرد شدن ناگهانی کوره‌های صنعتی با دمای بالا می‌تواند موجب ترک خوردگی نسوزها، آسیب به روتورهای توربین‌ها و تخریب کاتالیست‌های گران‌قیمت شود که تأمین و جایگزینی آن‌ها نیازمند ارزآوری، زمان طولانی و ثبت سفارش‌های پیچیده است. علاوه بر استهلاک شدید تجهیزات، توقف اجباری خطوط تولید، هزینه‌های سربار بنگاه را به شدت افزایش می‌دهد. کارخانه در حالی که هیچ‌گونه درآمدی از محل فروش محصول ندارد، موظف به پرداخت حقوق پرسنل، هزینه‌های نگهداری تاسیسات، بازپرداخت اقساط بانکی و جبران تعهدات مالی به مشتریان است. این وضعیت، نقدینگی واحدهای تولیدی را به نقطه بحرانی رسانده و بسیاری از آن‌ها را در تأمین سرمایه در گردش برای ماه‌های آتی دچار عسر و حرج شدید می‌کند.

راهکارهای تاب‌آوری بنگاه‌ها

واحدهای تولیدی برای مدیریت بحران کمبود گاز و به حداقل رساندن خسارت‌های ناشی از آن، مجموعه‌ای از راهکارهای فنی و مدیریتی را در دستور کار قرار می‌دهند. نخستین و رایج‌ترین اقدام، روی آوردن به سوخت‌های جایگزین نظیر مازوت و گازوئیل است. کارخانه‌هایی که از پیش تجهیزات و بویلرهای دوگانه‌سوز پیش‌بینی کرده‌اند، با هماهنگی شرکت پخش فرآورده‌های نفتی نسبت به تأمین و ذخیره‌سازی مخازن سوخت مایع اقدام می‌کنند؛ هرچند این فرآیند با موانعی نظیر محدودیت‌های زیست‌محیطی، جریمه‌های آلایندگی و هزینه‌های بالای حمل‌ونقل سوخت مایع همراه است.

راهکار دوم، جابه‌جایی زمانی برنامه‌های تعمیرات اساسی است. مدیران کارخانه‌ها ترجیح می‌دهند عملیات بازسازی سالانه، تعویض نسوزها و تعمیر قطعات اصلی را دقیقاً در بازه زمانی اعمال محدودیت‌های شدید گازی انجام دهند تا توقف اجباری خط تولید با برنامه‌ریزی قبلی تداخل کمتری داشته باشد و خسارت‌های اقتصادی تعدیل شود.

همچنین، تغییر شیفت‌های کاری به ساعات پایانی شب، استفاده از سیستم‌های بازیافت حرارت تلفاتی، افزایش ضریب عایق‌بندی کوره‌ها و ارتقای راندمان حرارتی تجهیزات، از دیگر اقدامات مهندسی است که بنگاه‌ها برای کاهش شدت مصرف انرژی پیاده‌سازی می‌کنند.

ضرورت اصلاحات ساختاری کلان

با وجود تلاش‌های گسترده واحدهای صنعتی برای پیاده‌سازی راهکارهای انقباضی و تاب‌آوری، کارشناسان اقتصادی و تشکل‌های صنفی متفق‌القولند که این اقدامات تنها حکم مُسکن‌های موقتی را دارند و درمان ریشه‌ای این معضل در گرو اصلاحات کلان ساختاری توسط حاکمیت است. تا زمانی که قیمت‌گذاری انرژی در کشور از مکانیزم‌های اقتصادی تبعیت نکند و انگیزه‌ای برای بهینه‌سازی مصرف در بخش‌های عمومی ایجاد نشود، بار اصلی ناترازی همچنان بر دوش تولید ملی سنگینی خواهد کرد.

دولت و وزارتخانه‌های ذی‌ربط موظفند با تسهیل سرمایه‌گذاری‌های کلان در میادین بالادستی گاز، توسعه فناوری‌های ازدیاد برداشت، هوشمندسازی شبکه‌های توزیع و اعطای تسهیلات مالی کم‌بهره به صنایع برای نوسازی تجهیزات انرژی‌بر، بستر گذر ایمن از زمستان‌ها را فراهم سازند. علاوه بر این، ایجاد بازارهای انرژی، اعطای گواهی‌های صرفه‌جویی و مشارکت دادن خود صنایع در پروژه‌های تأمین پایدار گاز می‌تواند چرخ‌دنده‌های صنعت کشور را حتی در سخت‌ترین ماه‌های سال بدون وقفه به گردش درآورد.



سقوط آزاد ۵۰ درصدی سهم مالیات مسکن در چهار دهه اخیر

گزارش

سهم مالیات مسکن از کل درآمدهای مالیاتی دولت در چهار دهه اخیر با سقوط ۵۴ درصدی از میانگین سال‌های گذشته فاصله گرفته و در ۶ ماهه نخست امسال به ۲.۵ درصد رسیده است؛ روندی که در کنار حذف پایه‌های مالیاتی املاک در سال ۱۳۸۰ و وصول ناچیز مالیات بر خانه‌های خالی، از عقب‌ماندگی سیاست مالیاتی در مهار سوداگری و احتکار مسکن حکایت دارد.

یکی از سیاست‌های راهبردی دولت‌ها برای مدیریت بازار مسکن شهری، استفاده از اهرم مالیات است. مالیات در این بخش صرفاً ابزاری برای کسب درآمد دولت نیست، بلکه کارکردی تنظیم‌گرانه دارد و می‌تواند با افزایش هزینه نگهداری دارایی‌های غیرمولد، انگیزه سفته‌بازی، احتکار زمین و مسکن و تقاضای سوداگرانه را کاهش دهد. نگهداری ملک بدون استفاده و با هدف کسب سود از افزایش قیمت در ایران فقط مربوط به اشخاص حقیقی نیست، بانک‌ها، بنگاه‌های اقتصادی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیز به دلیل فقدان هزینه مالیاتی متناسب، بخش قابل توجهی از سرمایه خود را به جای تولید و فعالیت‌های مولد، در دارایی‌های غیرمولد حبس کرده‌اند. بررسی ترکیب درآمدهای مالیاتی بخش مسکن در ایران نشان می‌دهد یکی از دلایل فعالیت‌های سوداگرانه در بخش مسکن کشور، غفلت دولت‌ها از این کارکرد تنظیم‌گرانه مالیات است. براساس عملکرد سازمان امور مالیاتی، در نیمه نخست امسال بیش از ۶۳ درصد درآمد مالیاتی این بخش از محل مالیات مستغلات و نقل‌وانتقال سرقفلی تأمین می‌شود که عمدتاً به املاک تجاری مربوط بوده و سهم مالیات‌های مرتبط با واحدهای مسکونی بسیار ناچیز است. طبق تجربه کشورهای عضو OECD طراحی نظام مالیاتی کارآمد در بخش مسکن، علاوه بر تأمین منابع پایدار برای دولت و شهرداری‌ها، با اصلاح انگیزه‌های اقتصادی می‌تواند از احتکار، حباب‌های قیمتی و شکست بازار جلوگیری کند.

سهم مالیات مسکن فقط ۲.۵ درصد

بررسی داده‌های سازمان امور مالیاتی کشور نشان می‌دهد در ۶ ماهه نخست امسال حجم درآمد مالیاتی دولت از ۵ بخش شامل مالیات مستغلات، مالیات نقل‌وانتقال سرقفلی، مالیات نقل‌وانتقالات املاک، مالیات بر واحدهای مسکونی گران‌قیمت و مالیات بر واحدهای مسکونی خالی حدود ۲۷ هزار و ۷۰۷ میلیارد تومان بوده است. از این مقدار، حدود ۴۲.۵ درصد مربوط به مالیات مستغلات، ۲۰.۶ درصد مربوط به نقل‌وانتقال سرقفلی، ۳۶.۳ درصد مربوط به مالیات نقل‌وانتقال املاک و نزدیک به نیم درصد (۰.۶ درصد) مربوط به مالیات بر واحدهای گران‌قیمت است. همچنین سهم مالیات بر خانه‌های خالی از کل درآمد مالیاتی بخش مسکن با حدود ۱.۶ میلیارد تومان نزدیک به صفر است.

طبق داده‌های سازمان مالیاتی و گمرک، در ۶ ماهه نخست امسال، حجم کل درآمد مالیاتی دولت حدود ۱۱۰۷ هزار میلیارد تومان بوده که سهم مالیات مسکن از این مقدار به ۲.۵ درصد می‌رسد.

بررسی داده‌های تاریخی نشـــان می‌دهد سهم مالیات مسکن از درآمدهای مالیاتی دولت در چند سال اخیر به کمترین سطوح تاریخی خود طی ۴ دهه اخیر رسیده است. براساس این داده‌ها، سهم مالیات بخش مسکن از کل درآمدهای مالیاتی دولت، با احتساب مالیات بر واردات در سال ۱۳۶۵ معادل ۴.۹ درصد بوده که این عدد در سال ۱۳۶۷ به ۹.۱ درصد رسید و بالاترین مقدار ثبت‌شده در این دوره را تجربه کرد. طبق این داده‌ها، میانگین سهم مالیات مسکن از درآمدهای مالیاتی دولت حدود ۷.۳ درصد، در دهه ۱۳۷۰ حدود ۴.۴ درصد و مجموع دو دهه ۵.۴ درصد بوده است.

با این حال از ابتدای دهه ۱۳۸۰ روند نزولی آن آغاز شد، به طوری که سهم مالیات مسکن از کل درآمدهای مالیاتی دولت از حدود ۴ درصد در ابتدای این دهه به ۱.۴ درصد در سال ۱۳۸۸ رسید که پایین‌ترین سطح ثبت‌شده در ۴ دهه اخیر است. در سال‌های بعد، این شاخص با نوسانات محدود بهبود یافت اما این افزایش پایدار نبود. سهم مالیات مسکن در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۴ عمدتاً در محدوده ۱.۹ تا ۲.۴ درصد نوسان کرده و در ۶ ماهه نخست امسال به حدود ۲.۵ درصد رسیده؛ عددی که نسبت به دهه ۶۰ و ۷۰ سقوط ۵۴ درصدی داشته است.

هدیه مالیاتی دولت خاتمی به سفته‌بازان مسکن

بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از مهمترین دلایل افت سهم مالیات مسکن از کل درآمدهای مالیاتی دولت طی ۴ دهه اخیر، تغییرات قوانین مالیاتی و تحولات ترکیب درآمدهای دولت بوده که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

حذف پایه‌های مالیاتی املاک: اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم در ۲۷ بهمن ۱۳۸۰ در دولت محمد خاتمی، منجر به حذف مالیات سالانه املاک (مواد ۳ تا ۹)، مالیات مستغلات مسکونی خالی (مواد ۱۰ و ۱۱) و مالیات اراضی بایر (مواد ۱۲ تا ۱۶) شد. این تغییر، بخشی از ظرفیت قانونی مالیات‌ستانی از مالکیت و نگهداری املاک را کنار گذاشته و یک پاس گل عالی برای سفته‌بازان در بازار مسکن بود.

تداوم سیاست‌های اشتباه مالیات‌ســـتانی: با وجود حذف این پایه‌ها، درآمد اجاره و نقل‌وانتقال املاک همچنان مشمول مالیات بود. محدودیت پایه‌های مالیاتی و معافیت‌ها به طور قابل توجهی ظرفیت وصول مالیات از بخش مسکن را محدود کرد. عدم توجه دولت به ظرفیت‌های مالیات سالانه املاک (مالیات بر ملّاکی) و عدم توجه به ابزار بازدارنده مالیات بر سفته‌بازی در این نقش چشمگیری بر کاهش ظرفیت مالیات‌ستانی در این بازار داشته است.

تغییر ترکیب درآمدهای مالیاتی: اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده در سال ۱۳۸۷ توانست ساختار درآمدهای مالیاتی دولت را تغییر داده و این امر بر سهم نسبی مالیات مسکن اثر بگذارد. درواقع همچنان که در حوزه مالیات مسکن دلت عقب‌نشینی کرد، با آمدن پایه‌های جدید و افزایش سهم مالیات در منابع دولت، سهم مالیات مسکن کاهش یافت.

چالش‌های مالیات‌ســـتانی در بخش مسکن ایران

مسئله اصلی نظام مالیاتی ایران در بخش مسکن، صرفاً سطح نرخ مالیات نیست؛ بلکه فقدان ترکیبی کارآمد از ابزارهای مالیاتی برای تخصیص بهینه سرمایه، افزایش عرضه مسکن و مهار فعالیت‌های سوداگرانه است. برخلاف سایر کشورها، سیاست مالیاتی مسکن در ایران نه از عرضه مسکن استیجاری حمایت می‌کند و نه هزینه فعالیت‌های غیرمولد و سفته‌بازانه را بالا می‌برد. ضعف این تمایز، توان دولت را برای مقابله با شکست‌های بازار مسکن محدود کرده است. در ادامه به مهم‌ترین چالش‌ها اشاره می‌شود.

فقدان مالیات سالانه: عمده همان درآمد مالیاتی ناچیز دولت در ایران از بخش مسکن مربوط به مالیات بر نقل‌وانتقال یا وقوع معامله است، به طوری که در ۶ ماهه نخست امسال از درآمد نزدیک به ۲۸ همتی مالیات حوزه مسکن، ۴۲.۵ درصد مربوط به مالیات مستغلات و ۲۰.۶ درصد مربوط به مالیات نقل‌وانتقال سرقفلی و ۳۶.۶ درصد مالیات نقل‌وانتقالات املاک بوده است. به عبارتی، بیش از ۶۳ درصد از مالیات بخش مسکن در ایران مربوط به مالیات مستغلات و سرقفلی بوده که عمدتاً هر دو از بخش تجاری دریافت می‌شود و عملاً سهم مالیات واحدهای مسکونی در درآمدهای مالیاتی بخش مسکن بسیار ناچیز است.

این در حالی است که در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)، بخش اصلی مالیات مسکن، مربوط به مالیات سالانه بر ارزش زمین و املاک می‌شود. این مالیات، در صورت طراحی متناسب و ارزش‌گذاری دقیق، می‌تواند انگیزه نگهداری املاک بدون استفاده و زمین‌های شهری بلااستفاده را کاهش دهد و به جای تشدید فشار بر معاملات، بر نگهداری غیرمولد دارایی اثر چشمگیری بگذارد. همچنین این پایه مالیاتی در بین پایه‌های مالیاتی حوزه مسکن، کمترین هزینه را در شناسایی املاک دارد.

ضرورت حمایت هدفمند مالیاتی از بازار اجاره: معافیت یا تخفیف مالیاتی هدفمند برای واحدهایی که به صورت بلندمدت در بازار اجاره عرضه می‌شوند، می‌تواند به افزایش عرضه و تقویت امنیت سکونت کمک کند. بنابراین، مسئله اصلی حذف حمایت‌های مالیاتی از اجاره نیست، بلکه طراحی معافیت‌هایی است که به عرضه واقعی مسکن کمک کنند و در عین حال، زمینه سوءاستفاده را کاهش دهند.

ناکارآمدی مالیات بر خانه‌های خالی: به اعتقاد کارشناسان، این مالیات در صورت شناسایی دقیق می‌تواند هزینه احتکار مسکن را افزایش دهد اما اثربخشی آن به کیفیت اطلاعات، اتصال سامانه‌های ملکی و اجرای قابل اتکای قانون وابسته است. ضعف شناسایی و دشواری تشخیص خالی ماندن واقعی از وقفه طبیعی میان دو دوره سکونت، می‌تواند هزینه اجرا را بالا ببرد و اثربخشی سیاست را محدود کند. روند اجرای آن در ایران قابل تأمل است. براساس داده‌های سازمان مالیاتی، در ۶ ماهه نخست امسال فقط ۱.۶ میلیارد تومان مالیات در این بخش اخذ شده است. همچنین از سال ۱۴۰۱ تاکنون کل مالیات این بخش حتی به ۴۰ میلیارد تومان هم نمی‌رسد و سهم این مالیات از درآمدهای مالیاتی مسکن نزدیک به صفر است.

تأخیر در عملیاتی شدن مالیات بر سوداگری: تصویب قانون مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی در سال ۱۴۰۴، می‌توانست ترمز جدی در مقابل فعالیت‌های سفته‌بازانه در بازار مسکن ایجاد کند اما هنوز خبری از اجرای آن در کشور نیست.

ضعف هماهنگی نهادی و استفاده نکردن از ظرفیت شهرداری‌ها: تجربه جهانی نشان می‌دهد شهرداری‌ها به دلیل دسترسی به اطلاعات محلی درباره املاک، اراضی و وضعیت سکونت، می‌توانند نقش مهمی در شناسایی خانه‌های خالی و تکمیل پایگاه اطلاعاتی املاک ایفا کنند. با این حال در ایران ضعف تبادل داده و هماهنگی میان شهرداری‌ها، وزارت راه و شهرسازی و سازمان امور مالیاتی، فرآیند شناسایی و وصول مالیات را دشوارتر و پرهزینه‌تر کرده است.

در نهایت باید توجه داشت نگاه دولت به مالیات مسکن نباید صرفاً درآمدی باشد؛ این مالیات باید به عنوان ابزاری برای تنظیم‌گری بازار و کاهش شکست‌های آن طراحی شود. مالیات‌ســـتانی دقیق و متناسب بر زمین و املاک می‌تواند انگیزه نگهداری غیرمولد دارایی را کاهش دهد و تخصیص سرمایه را به ســـمت فعالیت‌های مولدتر هدایت کنـــد. تحقق این هدف مستلزم توجه به تجارب جهانی و انتخاب پایه‌های مالیاتی اثرگذار و کم‌هزینه و با قابلیت اجرایی بالاتر است که تاکنون مورد کم‌توجهی واقع شده است.

> **به اعتقاد کارشناسان، این مالیات در صورت شناسایی دقیق می‌تواند هزینه احتکار مسکن را افزایش دهد اما اثربخشی آن به کیفیت اطلاعات، اتصال سامانه‌های ملکی و اجرای قابل اتکای قانون وابسته است**

شـرکت های کارور؛ کلید عبور از ناترازی گاز در زمستان

طیبه بیات

تشدید ناترازی گاز در آستانه زمستان، ضرورت اصلاح الگوی مصرف را افزایش داده است؛ راهکاری که با توسعه بازار گواهی‌های صرفه‌جویی می‌تواند به فرصتی برای سرمایه‌گذاری و کاهش هزینه انرژی تبدیل شود.

تشدید ناترازی گاز پس از آسیب دیدن بخشی از تأسیسات تولید و فرآورش، در کنار افزایش تقاضا در فصل سرد، ضرورت اصلاح الگوی مصرف و استفاده از ابزارهای اقتصادی برای مدیریت انرژی را دوچندان کرده است؛ مسیری که در آن، گواهی‌های صرفه‌جویی و فعالیت شرکت‌های کارور می‌توانند به کاهش فشار بر شبکه گاز و تأمین مالی طرح‌های بهینه‌سازی کمک کنند.

تأمین پایدار گاز در فصل ســـرد، یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام انرژی کشور است؛ چالشی که اگرچه پیش از آسیب‌های واردشده به تأسیسات گازی نیز وجود داشت، اکنون با کاهش بخشی از ظرفیت فرآورش، ابعاد جدی‌تری پیدا کرده است. افزایش مصرف در بخش خانگی و تجاری در روزهای سرد، از یک سو فشار بر شبکه گازرسانی را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، امکان تأمین سوخت نیروگاه‌ها و صنایع را محدود می‌کند.

براساس اعلام مسئولان، در جریان آسیب‌های واردشده به تأسیسات گازی کشور، حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب در روز از ظرفیت فرآورش گاز خارج شد که تاکنون حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب آن به چرخه تولید بازگشته و حدود ۱۳۰ میلیون مترمکعب همچنان از دسترس خارج است. این شرایط در آستانه زمستان، اهمیت بازسازی تأسیسات و مدیریت هم‌زمان عرضه و تقاضای گاز را افزایش داده است.

ناترازی گاز و زنجیره پیامدهای آن در اقتصاد انرژی

ناترازی گاز صرفاً به معنای کمبود یک حامل انرژی نیست، بلکه پیامدهای آن به بخش‌های مختلف اقتصاد انرژی گسترش پیدا می‌کند. در روزهایی که مصرف خانگی و تجاری افزایش می‌یابد، تأمین گاز نیروگاه‌ها با محدودیت بیشتری مواجه می‌شود و بخشی از نیاز آن‌ها باید از طریق سوخت مایع جبران شود؛ مسئله‌ای که می‌تواند هزینه تولید برق و آلودگی هوا را افزایش دهد.

از سوی دیگر، محدودیت گازرسانی به صنایع می‌تواند بر روند تولید و فعالیت واحدهای صنعتی اثر بگذارد. به همین دلیل، مدیریت مصرف در بخش ساختمان تنها یک اقدام برای کاهش هزینه خانوارها نیست، بلکه می‌تواند به حفظ سهم بیشتری از گاز طبیعی برای نیروگاه‌ها و واحدهای تولیدی کمک کند.

بازسازی تأسیسات؛ شرط تقویت عرضه گاز

در سمت عرضه، بازگرداندن ظرفیت‌های آسیب‌دیده به مدار تولید و فرآورش، از اولویت‌های صنعت گاز برای عبور از فصل سرد به شمار می‌رود. بازگشت بخشی از ظرفیت پالایشگاه‌های آسیب‌دیده پارس جنوبی، گامی در مسیر جبران کاهش تولید بوده است؛ با این حال، تکمیل عملیات بازسازی و افزایش پایداری تأسیسات همچنان اهمیت دارد. در کنار این اقدامات، توسعه ظرفیت پالایشی کشور نیز می‌تواند به تقویت امنیت تأمین فرآورده‌های نفتی کمک کند. بهره‌برداری از طرح‌های جدید پالایشگاهی، ظرفیت تولید بنزین و گازوئیل را افزایش می‌دهد، اما این طرح‌ها جایگزین مستقیمی برای ظرفیت تولید و فرآورش گاز طبیعی نیستند و باید به عنوان بخشی از برنامه جامع امنیت انرژی ارزیابی شوند. با وجود اهمیت افزایش عرضه، تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که توسعه ظرفیت تولید به‌تنهایی برای رفع ناترازی کافی نیست و بدون کنترل رشد مصرف، شکاف میان منابع و مصارف انرژی در دوره‌های اوج تقاضا همچنان پابرجا خواهد ماند.

مصرف ساختمان‌ها، حلقه مهم مدیریت تقاضای گاز

بخش ساختمان به دلیل افزایش مصرف گرمایشی در فصل سرد، یکی از مهم‌ترین حوزه‌ها برای اجرای برنامه‌های بهینه‌سازی انرژی است. رعایت دمای آسایش، جلوگیری از اتلاف حرارت، عایق‌کاری ساختمان‌ها و استفاده از تجهیزات گرمایشی پربازده می‌تواند بدون ایجاد اختلال در آسایش خانوارها، میزان مصرف گاز را کاهش دهد. رعایت دمای ۱۸ تا ۲۰ درجه سانتی‌گراد در ساختمان‌های عمومی و محیط‌های کاری از راهکارهای مدیریت مصرف است و تحقق اهداف ذکرشده ضرورت همراهی خانوارها، ادارات و واحدهای تولیدی را می‌طلبد. با این حال، مدیریت مصرف نباید به توصیه‌های مقطعی و بخشنامه‌های زمستانی محدود شود. اصلاح بهره‌وری ساختمان‌ها، نوسازی تجهیزات گرمایشی و بهینه‌سازی فرآیندهای صنعتی باید در قالب برنامه‌ای مستمر دنبال شود تا کاهش مصرف به نتیجه‌ای پایدار تبدیل شود.

گواهی صرفه‌جویی، ابزار اقتصادی برای کاهش ناترازی

یکی از راهکارهای مهم برای عبور از مدیریت دستوری مصرف، ایجاد انگیزه اقتصادی برای کاهش تقاضای انرژی است. در این چارچوب، گواهی‌های صرفه‌جویی و امکان معامله آن‌ها در بورس انرژی می‌توانند صرفه‌جویی را از یک توصیه عمومی بـــه فعالیتی اقتصادی و قابل سرمایه‌گذاری تبدیل کنند.

ماده ۴۶ قانون برنامه هفتم پیشرفت، بستر قانونی توسعه بازار بهینه‌سازی انرژی و محیط زیست و استفاده از گواهی‌های صرفه‌جویی را فراهم کرده است. براساس این ظرفیت، انرژی صرفه‌جویی شده می‌تواند در قالب گواهی به ارزش اقتصادی تبدیل شود و در بازار مربوط مورد معامله قرار گیرد.

اهمیت این سازوکار در آن است که سرمایه‌گذاران و شرکت‌های تخصصی می‌توانند با تأمین مالی طرح‌های بهینه‌سازی، هزینه‌های اجرای پروژه را از محل ارزش اقتصادی انرژی آزادشده جبران کنند. به این ترتیب، کاهش مصرف به منبعی برای تأمین مالی پروژه‌های جدید تبدیل می‌شود و امکان هدایت سرمایه به سمت افزایش بهره‌وری انرژی فراهم خواهد شد.

شرکت‌های کارور؛ پیوند میان سرمایه‌گذاری و کاهش مصرف

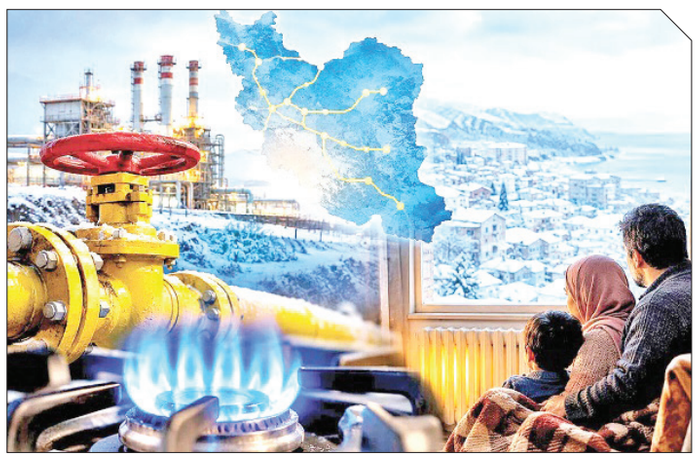
در این میان، شرکت‌های کارور گاز می‌توانند نقش واسطه تخصصی میان مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و بازار انرژی را ایفا کنند. این شرکت‌ها با شناسایی ظرفیت‌های کاهش مصرف، اجرای طرح‌های اصلاح تجهیزات و بهینه‌سازی سیستم‌های مصرف، زمینه تحقق صرفه‌جویی را فراهم می‌کنند و در چارچوب ضوابط مربوط، از منافع اقتصادی آن بهره‌مند می‌شوند.

یکی از مزیت‌های این الگو، امکان اجرای طرح‌های بهینه‌سازی بدون تأمین مستقیم تمام هزینه‌ها از سوی دولت است. در این مدل، شرکت‌های کارور می‌توانند با استفاده از منابع حاصل از گواهی‌های صرفه‌جویی، هزینه اجرای پروژه‌ها را تأمین و از منافع کاهش مصرف بهره‌مند شوند. سنگدوینی نماینده مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگویی با تأکید بر ضرورت تسریع در اجرای این سازوکار، تسهیل فعالیت شرکت‌های کارور از سوی شرکت ملی گاز ایران و شرکت توانیر را ضروری دانسته است. به گفته وی، صدور گواهی‌های صرفه‌جویی پیشینی می‌تواند سرمایه اولیه موردنیاز این شرکت‌ها را تأمین و آغاز طرح‌های بهینه‌سازی را تسریع کند.

البته موفقیت این مدل به طراحی دقیق قراردادها، تعیین سهم منافع میان مصرف‌کننده و مجری و ایجاد اطمینان از بازگشت سرمایه وابسته است. همچنین اندازه‌گیری و راستی‌آزمایی میزان واقعی صرفه‌جویی، از الزامات اصلی فعالیت این بازار به شمار می‌رود؛ زیرا تنها کاهش مصرفی که در مقایسه با خط مبنای معتبر و با در نظر گرفتن شرایط مؤثر بر مصرف تأیید شده باشد، می‌تواند مبنای صدور گواهی قرار گیرد.

در بخش خانگی نیز لازم است سازوکار قراردادها به گونه‌ای طراحی شود که خانوارها بدون تحمیل هزینه اولیه، از منافع کاهش مصرف و هزینه انرژی برخوردار شوند.

مجموع شرایط موجود نشان می‌دهد عبور از ناترازی گاز به مجموعه‌ای از اقدامات هم‌زمان در بخش عرضه و تقاضا نیاز دارد. بازسازی تأسیسات آسیب‌دیده، توسعه زیرساخت‌های تولید و انتقال، اصلاح الگوی مصرف و افزایش بهره‌وری ساختمان‌ها و صنایع، اجزای مکمل این مسیر هستند. در این میان، گواهی‌های صرفه‌جویی و شرکت‌های کارور می‌توانند با ایجاد انگیزه اقتصادی، سرمایه‌های غیردولتی را به سمت کاهش مصرف هدایت کنند. اجرای موفق این سازوکار علاوه بر کاهش هزینه انرژی مصرف‌کنندگان، منابع بیشتری برای تأمین گاز نیروگاه‌ها و صنایع آزاد می‌کند و فشار بر شبکه گاز کشور را در روزهای اوج مصرف کاهش می‌دهد.



چارشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۵ ■ ۱ جمادی الثانی ۱۴۴۸ ■ ۱۱ November ۲۰۲۶ ■ سال سوم ■ شماره ۶۰۴
مدیر مسئول: مهدی مهرپور
چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۹۱۸۴۴۱۵۲۹
کد پستی: ۱۵۸۶۶۱۳۴۱۳ ■ آدرس: تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه ۱۵، پلاک ۴۴، طبقه ۲
Charsogh newspaper.com

اخبار



افزایش حقوق‌ها عامل افزایش قیمت‌ها نیست

سخنگوی هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی باردادن این دیدگاه که افزایش حقوق‌ها موجب بالا رفتن قیمت کالاها می‌شود، تأکید کرد: افزایش حقوق‌ها در شرایط تورمی برای جبران بخشی از کاهش قدرت خرید مردم انجام شده است و دولت می‌تواند با استفاده از ظرفیت‌هایی مانند واگذاری رایگان و ۹۹ ساله زمین، برای بهبود معیشت خانوارها اقدام کند.

عباس گودرزی در گفت‌وگو با ایلنا، درباره اینکه برخی از دولتمردان اخیراً عنوان کرده‌اند علت گرانی‌های اخیر افزایش ۶۰ درصدی حداقل دستمزدها است و این افزایش‌ها باعث تورم شده، سؤال اینجاست اگر حقوق کارگران و بازنشستگان متناسب با تورم افزایش پیدا نکند دولت چه راهکاری دارد، گفت: این گزاره یک ایراد اساسی دارد و آن اینکه گویی پیش از افزایش حقوق‌ها قیمت‌ها پایین بوده، تورمی وجود نداشته و مردم شاهد ارزانی و فراوانی بوده‌اند؛ در حالی که واقعیت این نیست و این گزاره غلط است.

سخنگوی هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی ادامه داد: در شرایطی که با تورم و افزایش افسارگسیخته نرخ‌ها و قیمت‌ها مواجه بودیم، حقوق‌ها را افزایش دادیم تا حدودی قدرت خرید مردم با وضعیت قیمت کالاها متناسب شود. بنابراین، به نظر من، این روایت که افزایش حقوق‌ها موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود، روایت درستی نیست و اتفاقاً مسیر را اشتباه بیان می‌کند.

وی افزود: ما معتقدیم در شرایط فعلی هم حقوق‌ها تناسبی با میزان تورم در جامعه ندارد. البته مردم عزیز ما به دلیل درک شرایط کشور همراهی می‌کنند، اما دولت هم باید برای بهبود وضعیت معیشتی مردم تدبیر کند. این نماینده مجلس با اشاره به ضرورت استفاده دولت از ظرفیت‌های موجود برای بهبود شرایط زندگی مردم، تصریح کرد: اگر دولت در جایی منابع مالی ندارد، در عوض امکانات و اختیارات و ظرفیت‌های دیگری در اختیار دارد که می‌تواند از آن‌ها استفاده کند. برای مثال، ممکن است پول نداشته باشیم، اما زمین که داریم.

وی با بیان اینکه زمین می‌تواند یکی از ظرفیت‌های دولت برای کمک به معیشت مردم باشد، گفت: ۶۰ درصد هزینه ساخت مسکن مربوط به زمین است و مسکن هم ۵۰ درصد از سبد هزینه خانوار را تشکیل می‌دهد. بنابراین، عقل حکم می‌کند در شرایطی که کل محدوده شهرها و روستاهای کشور کمتر از یک درصد از اراضی کشور، یعنی حدود هشت دهم درصد، است، با تصمیم‌گیری شجاعانه و متناسب با شرایط امروز، برای بهبود وضعیت مردم اقدام کنیم.

گودرزی ادامه داد: برای چه کسی نگه داشته‌اند؟ چرا زمین‌ها را پلاک‌بندی نمی‌کنند و به‌صورت رایگان و در قالب واگذاری ۹۹ ساله در اختیار مردم قرار نمی‌دهند؟ گفته می‌شود امکان آماده‌سازی زمین‌ها وجود ندارد؛ در حالی که می‌توان با تغییر کاربری بخشی از اراضی به کاربری تجاری و واگذاری آن به سرمایه‌گذار، زمینه تحقق این اقدام را فراهم کرد. در این صورت، سرمایه‌گذار نیز زیرساخت‌های لازم را ایجاد خواهد کرد. وی افزود: حتی اگر دولت امکان تأمین زیرساخت‌ها را هم نداشته باشد، می‌تواند زمین را در اختیار مردم قرار دهد تا این موهبت الهی به بهبود شرایط زندگی آن‌ها و برخورداری بیشتر از عدالت کمک کند. بعدها نیز با فراهم شدن شرایط، امکان توسعه و تکمیل زیرساخت‌ها وجود خواهد داشت. سخنگوی هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی با طرح این پرسش که آیا تمام زمین‌هایی که امروز به مسکن تبدیل شده‌اند، از ابتدا امکان ساخت‌وساز داشته‌اند، خاطرنشان کرد: یکی از ناترازی‌های کشور، ناترازی در تصمیم‌گیری است و دولت باید این مسئله را حل کند.

دستگاه قضا املاک به تاراج رفته را به بازنشستگان هما بازگرداند

عضو کمیسیون اصل نودم قانون اساسی مجلس با انتقاد از عدم اقدام مؤثر از سوی صندوق بازنشستگی کشوری و وزارت تعاون برای ابطال فروش غیرقانونی املاک توسط صندوق بازنشستگی هما، گفت: دستگاه قضا باید به ترک فعل مسئولان در این خصوص ورود کرده و املاک واگذار شده را به اموال بازنشستگان هما بازگرداند.

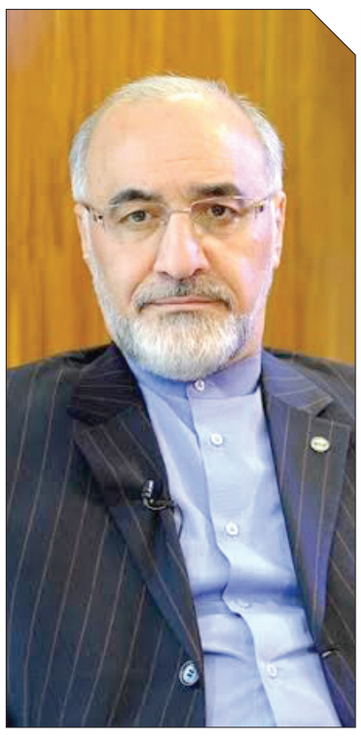
دستگاه قضا املاک به تاراج رفته را به بازنشستگان هما بازگرداند

علی خضریان در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت، با اشاره به واگذاری ۱۷ باب ملک متعلق به صندوق بازنشستگی کارکنان هما به صورت غیرقانونی و مجعول و متعاقباً تکذیبیه صندوق بازنشستگی کشوری، اظهار داشت: در حالی که بیش از ۴ ماه از احراز این فساد در صندوق بازنشستگی گذشته، اما متأسفانه مجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و در رأس آن آقای میدری تنها درگیر سیاسی بازی هستند.

نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی با تأکید بر اینکه برخلاف جوابیه‌ای که صندوق بازنشستگی کشوری منتشر کرده است، تاکنون هیچ اقدام مؤثری از سوی صندوق بازنشستگی کشوری و وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی برای ابطال وکالت‌نامه‌های غیرقانونی فروش املاک صورت نگرفته است، تصریح کرد: برای ابطال وکالت‌نامه غیرقانونی فروش باید شکایت حقوقی صورت گیرد، اما مجموعه تحت هدایت آقای میدری اقدامی در این زمینه انجام ندادند و با توجه به اینکه صندوق بازنشستگی هما تا چند روز اخیر با سرپرست اداره می‌شد، گذشت زمان باعث پیچیدگی پرونده و سخت شدن احقاق حقوق بازنشستگان محترم این صندوق می‌شود.

وی افزود: آقای میدری علاوه بر شکایت حقوقی می‌بایست از جایگاه عالی وزارت استفاده می‌کرد و طی مکاتبه با دادستان محترم کل کشور توقف نقل و انتقال این املاک را درخواست می‌کرد تا زمان رسیدگی این پرونده در دادگاه، این املاک دست به دست نشوند که روند بازگشت آن‌ها به اموال بازنشستگان طولانی‌تر شود اما در عمل مشاهده می‌شود دغدغه آقایان مسائل دیگری است و کوچکترین دلسوزی برای اموال بازنشستگان ندارند. خضریان در ادامه با اشاره به مکاتبه‌ای که با دادستان کل کشور برای درخواست ورود مدعی العموم به پرونده داشته است، گفت: با این حال صندوق بازنشستگی کشوری در واکنش به مکاتبه بنده اعلام کرد با خاطیان برخورد کرده و علیه آنها شکایت کیفری طرح کرده‌اند.

عضو کمیسیون اصل نودم قانون اساسی مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: در حالی که بر اساس مستندات ارائه شده هیات مدیره حال حاضر صندوق هما غیرقانونی بودن انتقال این املاک براساس جعل اسناد را به مراجع نظارتی و قضایی گزارش داده و از سرپرست وقت صندوق هما که منصوب صندوق کشوری و با حفظ سمت مدیرکل حوزه مدیرعامل صندوق کشوری بوده است، خواستار اقدام حقوقی برای ابطال این وکالت‌نامه‌ها شده‌اند که تاکنون اقدامی در این خصوص صورت نپذیرفته و برابر گزارش واصله سرپرست صندوق در اقدامی تأمل برانگیز و غیرقانونی شخصی که فاقد تحصیلات حقوقی است را به عنوان مدیر حقوقی صندوق هما منصوب نموده است تا پیگیر بازگشت املاک شود!





سهم دولت در گرانی‌ها چقدر است؟

گزارش

به گزارش خبرگزاری تسنیم، محمدرضا سبزعلیپور رئیس مرکز تجارت جهانی ایران و رئیس شورای سیاستگذاری اقتصاد مقاومتی و بخش خصوصی در میزگردی تحت عنوان «واکاوی مشکلات اقتصادی ایران» در جمع تعدادی از مدیران، کارآفرینان، فعالان اقتصادی و دانشگاهیان در واکنش به مشکلات اقتصادی ایران اظهار داشت: مشکلات اقتصادی کشورمان دلایل و سرمنشأهای متفاوت و زیادی دارد که از جنگ، تحریم‌های مختلف اقتصادی گرفته تا عدم سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در بخش‌های متعدد اقتصادی، وجود موانع و بوروکراسی زائد اداری، قوانین قدیمی و بازدارنده و تشدید فرار سرمایه، می‌تواند در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... مشکل‌ساز و مولد بحران باشد، اما بزرگترین مشکل و دل‌نگرانی امروز جامعه و مردم شریف ایران یعنی تورم، گرانی و افزایش لحظه به لحظه قیمت‌ها، یک مقصر دارد و آن هم دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و خدماتی می‌باشند که بدون نظارت دولتی، قیمت‌ها را بدون دلیل بالا می‌برند و مردم را مجبور می‌کنند تا با حقوق ثابت خود، روز به روز سوخت، خدمات و کالاهای اساسی را گران‌تر از روز قبل خریداری کنند. از همین رو مهم‌ترین دلیل مشکلات و مسبب اصلی به‌هم‌ریختگی اوضاع اقتصادی کشور را می‌توان در سوء مدیریت و کارهایی که منجر به خود تحریمی و فشار به مردم می‌شود، خلاصه نمود. فلذا پرداختن به این مقولهٔ بسیار مهم، به‌ویژه به بحران سوء مدیریت‌ها و افزایش قیمت‌ها در کشورمان لازم و ضروری می‌باشد.

وی در ادامه افزود: این روزها کمتر کسی را می‌توان یافت که از گرانی، تورم و کاهش قدرت خرید مردم سخن نگوید. دولت و مسئولان اقتصادی نیز بارها از ضرورت کنترل قیمت‌ها، مهار تورم و مقابله با گران‌فروشی سخن گفته‌اند؛ موضوعاتی که بدون تردید از مهمترین دغدغه‌های امروز جامعهٔ ماست. اما در میان این همه اظهارنظر و هشدار درباره گرانی، یک پرسش اساسی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و آن اینکه: آیا خود دولت و دستگاه‌های وابسته به آن، با برخی تصمیمات و سیاست‌های قیمتی، در افزایش هزینه زندگی مردم و بالا رفتن قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات نقش ندارند؟

علیپور تصریح نمود: واقعیت این است که فشار اقتصادی بر خانوارها فقط از مسیر افزایش قیمت مواد غذایی، مسکن، پوشاک و سایر کالاهای مصرفی ایجاد نمی‌شود. بلکه بخش قابل توجهی از هزینه‌های زندگی، به خدماتی مربوط است که مردم امکان چشم‌پوشی و فاکتور گرفتن از آنها را ندارند؛ از آب، برق، گاز و سوخت گرفته تا تلفن‌های ثابت و همراه، اینترنت، حمل‌ونقل و خدمات متعدد بانکی. این هزینه‌ها در ظاهر ممکن است جداگانه و در قالب تعرفه، آبونمان، کارمزد یا هزینه خدمات دریافت شوند، اما در مجموع سهم قابل توجهی از درآمد خانوارها را به خود اختصاص می‌دهند. به همین دلیل، باید درباره پدیده‌ای تأمل کرد که می‌توان از منظر اقتصادی آن را «مالیات پنهان بر زندگی مردم» نامید؛ نه به این معنا که تمام این مبالغ از نظر حقوقی مالیات محسوب می‌شوند بلکه از این جهت که پرداخت آنها برای شهروندان غالباً اجتناب‌ناپذیر است و افزایش هم‌زمانشان می‌تواند بدون آنکه در قالب یک مالیات رسمی اعلام شود، فشار مالی تازه‌ای بر دوش مردم بگذارد.

وقتی تعرفه‌ها افزایش می‌یابند، هزینه زندگی فقط به قبض‌ها محدود نمی‌شود

سبزعلیپور در ادامه بیان نمود: برای درک اَبعاد این مسئله کافی است به چند نمونه توجه کنیم. از ابتدای آبان ماه سال جاری، هزینه سوخت نیروگاهی در قبوض برق مشترکان با سازوکاری پلکانی اِعمال شده است. مطابق توضیحات منتشرشده از سوی صنعت برق، میزان پرداختی مردم به سطح و میزان مصرف آنان بستگی دارد و حدود ۹۰ درصد مشترکان نیز ماهانه رقمی در محدوده ۷ تا ۲۲ هزار تومان بابت این هزینه پرداخت می‌کنند. مسئولان، محل مصرف این منابع را هزینه‌های مرتبط با سوخت، توسعه نیروگاه‌ها و افزایش راندمان اعلام کرده‌اند!!

در حوزه خدمات بانکی نیز، تعرفه برخی از خدمات در سال جاری بازنگری شده است؛ برای نمونه: کارمزد کارت به کارت تا سقف یک میلیون تومان از ۹۰۰ به ۱۱۰۰ تومان رسیده است!! شاید چنین افزایشی در یک تراکنش رقم بزرگی به نظر نرسد، اما وقتی تعداد و تکرار تراکنش‌ها و مجموعه خدمات بانکی مورد استفاده مردم و کسب‌وکارها را در نظر بگیریم، اثر تجمعی آنها قابل توجه‌تر خواهد بود.

در بخش گاز نیز نظام محاسبه تعرفه مشترکان خانگی به چهار پله مصرفی تقسیم شده است؛ بر اساس اعلام شرکت ملی گاز، حدود ۷۰ درصد مشترکان در پله نخست، ۱۸ درصد در پله دوم، ۱۰ درصد در پله سوم و حدود ۲ درصد نیز در پله چهارم قرار می‌گیرند. بنابراین نمی‌توان این تغییر را افزایش یکسان قیمت برای همه خانوارها دانست؛ اما لازم است آثار آن بر گروه‌های مختلف مصرف‌کننده و خانوارهایی که به دلایل اقلیمی، شرایط ساختمان یا تعداد اعضاء خانواده مصرف بیشتری دارند، به دقت بررسی شود.

وی گفت: در حوزه اینترنت نیز درخواست اپراتورها برای افزایش تعرفه‌ها، مجدداً مطرح و در دست بررسی اعلام شده است!! این درخواست را نباید با افزایش قطعی و اجرا شده چند روز پیش اشتباه گرفت؛ اما همین موضوع ضرورت توجه به رابطه میان قیمت، کیفیت و تعهدات ارائه‌دهندگان خدمات را برجسته می‌کند که متأسفانه کیفیت اینترنت بدتر و ضعیف‌تر شده است!! از سوی دیگر، در تعرفه‌های آب سال ۱۴۰۵، وزارت نیرو بر عدم تغییر آب‌بها تأکید کرده است. بنابراین منصفانه نیست که هر تغییر در ساختار قبض آب را افزایش قیمت آب تلقی کنیم. با این حال، اجزای مختلف صورت‌حساب، هزینه خدمات دفع فاضلاب و نحوه محاسبه آنها نیز باید برای مردم روشن و قابل فهم باشد.

این نمونه‌ها نشان می‌دهد که موضوع ما صرفاً فهرست کردن افزایش قیمت‌ها نیست؛ بلکه مسئله اصلی، بررسی مجموع هزینه‌هایی است که از مسیرهای مختلف به خانوارها و فعالان اقتصادی و واحدهای تولیدی تحمیل می‌شود و میزان تناسب آنها با هزینه‌های واقعی ارائه خدمات، کیفیت و توان پرداخت مردم است.

علیپور در ادامه سخنانش تأکید کرد: نکته مهم‌تر، آثار این سیاست‌ها بر بخش تولید و خدمات است. افزایش هزینه برق، گاز، آب، سوخت، حمل‌ونقل، ارتباطات و خدمات بانکی فقط به قبض‌های خانوار محدود نمی‌شود. کارخانجات، کارگاه‌ها، واحدهای کشاورزی، فروشگاه‌ها، شرکت‌های حمل‌ونقل، مراکز درمانی، کسب‌وکارهای اینترنتی و هزاران بنگاه اقتصادی دیگر نیز مصرف‌کننده همین خدمات هستند. وقتی که هزینه انرژی، سود تسهیلات بانکی یا حمل‌ونقل یک واحد تولیدی افزایش می‌یابد، هزینهٔ تمام‌شدهٔ محصول آن واحد تولیدی نیز ممکن است بالا برود.

افزایش هزینه ارتباطات و خدمات بانکی نیز می‌تواند بر مخارج جاری بسیاری از بنگاه‌ها اثر بگذارد. در چنین شرایطی، برخی تولیدکنندگان و ارائه‌دهندگان خدمات، ناگزیر می‌شوند بخشی از هزینه‌های جدید را در قیمت نهایی محصولات و خدمات خود منعکس و اضافه کنند. البته میزان انتقال این هزینه‌ها به مصرف‌کننده نهایی در همه بازارها یکسان نیست و به عواملی مانند رقابت، قدرت خرید، سهم هزینه موردنظر در قیمت تمام‌شده، میزان تقاضا و حاشیه سود بنگاه بستگی دارد. با این حال، نمی‌توان اصل این رابطه اقتصادی را نادیده گرفت.

وی گفت: به بیان روشن‌تر، افزایش هزینه خدمات عمومی می‌تواند از یک مسیر مستقیم، قبض و مخارج خانوار را افزایش دهد و از مسیری دیگر، با بالا بردن هزینه تولید و توزیع، بر قیمت کالاها و خدمات اثر بگذارد. این همان حلقه‌ای است که باید در سیاستگذاری اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. در همین ارتباط، گزارش مرکز آمار ایران درباره شاخص قیمت تولیدکننده بخش صنعت در تابستان ۱۴۰۵ حاکی از رشد ۲۸ درصدی نسبت به فصل قبل و افزایش ۱۴۷/۳ درصدی نسبت به فصل مشابه سال قبل است. این ارقام از فشار بسیار سنگین هزینه‌ای بر بخش صنعت حکایت دارند؛ هرچند برای نسبت دادن این وضعیت به تعرفه خدمات عمومی، باید سهم هر عامل از جمله نرخ ارز، مواد اولیه، هزینه انرژی، تأمین مالی، اختلالات عرضه و سایر مؤلفه‌ها جداگانه بررسی شود.

بنابراین پرسش ما این است: آیا هنگام تصمیم‌گیری درباره افزایش تعرفه‌ها، آثار مستقیم و غیرمستقیم آنها بر هزینه تولید، قیمت کالاها و تورم عمومی بطور جامع محاسبه می‌شود؟ آیا دولت پیش از اِعمال چنین تصمیماتی، پیامدهای آن را برای خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی ارزیابی می‌کند؟

هر افزایش تعرفه‌ای الزاماً نادرست نیست؛ اما هر افزایشی هم قابل توجیه نیست.

سبزعلیپور اظهار داشت: بدیهی است ارائه خدمات عمومی هزینه دارد. شبکه‌های آب و برق و گاز، زیرساخت‌های مخابراتی، نظام بانکی و ناوگان حمل‌ونقل برای نگهداری، توسعه و نوسازی به منابع مالی نیاز دارند. نمی‌توان انتظار داشت هزینه‌های واقعی این خدمات برای همیشه ثابت بماند یا هیچ‌گاه تعرفه آنها اصلاح نشود.

اما مسئله دقیقاً از جایی آغاز می‌شود که افزایش تعرفه، بدون شفافیت کافی درباره مبنای محاسبه، میزان هزینه واقعی، نحوه مصرف منابع و تعهد به ارتقاء کیفیت خدمت صورت گیرد. مردم حق دارند بدانند چرا باید پول بیشتری بپردازند، درآمد حاصل از این افزایش کجا هزینه می‌شود و در مقابل، چه بهبودی در کیفیت، پایداری و دسترسی به خدمات دریافت خواهند کرد. اگر افزایش تعرفه به دلیل رشد واقعی هزینه‌ها و برای حفظ و توسعه زیرساخت‌ها باشد، باید مستندات آن منتشر شود. اگر منابع جدید برای جبران ناکارآمدی مدیریتی، اتلاف منابع، ساختارهای پرهزینه یا زیان انباشته، ناشی از تصمیمات نادرست مصرف شود، نمی‌توان انتظار داشت مردم همواره و بدون پرسش، هزینه این ضعف‌ها را بپردازند.

از سوی دیگر، افزایش قیمت‌ها باید با ملاحظات اجتماعی همراه باشد. خانواری که درآمد محدود و ثابتی دارد، نباید به دلیل شرایطی خارج از اختیار خود، مانند اقلیم محل سکونت یا فرسودگی ساختمان، با فشار نامتناسب هزینه‌ای مواجه شود. حمایت از اقشار کم‌درآمد نیز نباید صرفاً به اعلام تخفیف‌های محدود خلاصه شود؛ بلکه باید در طراحی تعرفه‌ها و نظام حمایتی، واقعیت‌های معیشتی جامعه لحاظ شود.

دولت نمی‌تواند فقط از گرانی انتقاد کند؛ باید سهم خود را هم ببیند

علیپور در ادامه متذکر شد: یکی از تناقض‌های قابل تأمل در فضای اقتصادی کشور این است که از یک‌سو مسئولان از گرانی کالاها و خدمات انتقاد می‌کنند و از سوی دیگر، آثار تورمی برخی تصمیمات قیمتی و تعرفه‌ای دستگاه‌های دولتی و عمومی کمتر مورد ارزیابی و پاسخگویی قرار می‌گیرد. البته همهٔ تورم را نمی‌توان به افزایش تعرفه‌ها نسبت داد. رشد نقدینگی، کسری بودجه، نوسانات نرخ ارز، محدودیت‌های تجاری، تحریم‌ها، اختلال در زنجیره تأمین و انتظارات تورمی از عوامل مهم و اثرگذار بر سطح عمومی قیمت‌ها هستند. اما همین واقعیت نیز مسئولیت دولت را در بررسی دقیق آثار تصمیمات خودش از میان نمی‌برد. دولت باید در کنار نظارت بر قیمت‌گذاری بنگاه‌ها و برخورد با گران‌فروشی، آثار تصمیمات خود را نیز با همان حساسیت بررسی نماید. نمی‌توان از تولیدکننده انتظار داشت افزایش هزینه‌هایش را نادیده بگیرد اما هم‌زمان هزینه انرژی، حمل‌ونقل، خدمات بانکی و سایر نهاده‌های ضروری فعالیت او افزایش یابد و پیامد این تصمیمات در محاسبات تورمی نادیده گرفته شود!!

این سخن به معنای توجیه گران‌فروشی یا سلب مسئولیت از بنگاه‌های اقتصادی نیست. هرگونه افزایش قیمت باید متناسب با هزینه‌های واقعی و در چارچوب ضوابط قانونی باشد. اما نظارت بر بازار زمانی منصفانه و اثربخش خواهد بود که همه عوامل اثرگذار بر قیمت‌ها، از جمله سیاست‌های خود دولت، مورد ارزیابی قرار گیرند.

چند مطالبه روشن از دولت و دستگاه‌های مسئول

وی در ادامه پیشنهاد نمود: برای پایان دادن به این چرخه و جلوگیری از انتقال بی‌ضابطه هزینه‌ها به مردم، چند اقدام ضروری به نظر می‌رسد:

نخست، دولت باید پیش از هرگونه افزایش تعرفه خدمات عمومی، گزارش روشنی از هزینه‌های واقعی ارائه خدمات، دلایل افزایش، گروه‌های مشمول و آثار احتمالی آن بر خانوار و تولید منتشر کند.

دوم، درآمد حاصل از افزایش تعرفه‌ها باید به صورت شفاف مشخص شود. زیرا مردم باید بدانند چه سهمی از منابع به نگهداری و توسعه زیرساخت‌ها اختصاص می‌یابد و چه میزان صرف هزینه‌های جاری یا جبران ناکارآمدی‌ها می‌شود.

سوم، افزایش تعرفه‌ها باید با تعهد قابل سنجش به ارتقاء کیفیت خدمات همراه باشد. دریافت پول بیشتر بدون بهبود متناسب در کیفیت، پایداری و دسترسی به خدمات، نمی‌تواند سیاستی قابل دفاع تلقی شود.

چهارم، لازم است آثار تجمیعی افزایش هزینه خدمات عمومی بر قیمت تمام‌شدهٔ کالاها و خدمات بررسی شود. تصمیمی که ممکن است به تنهایی افزایش کوچکی به نظر برسد، اما در کنار چندین افزایش دیگر می‌تواند فشار قابل توجهی بر اقتصاد خانوار و بنگاه‌ها وارد کند.

پنجم، دستگاه‌های مسئول باید پیش از انتقال هزینه‌های جدید به مصرف‌کنندگان، برنامه کاهش اتلاف منابع، افزایش بهره‌وری، اصلاح ساختارهای ناکارآمد و کنترل هزینه‌های غیرضروری را در دستور کار قرار دهند.

و دست آخر، لازم است یک سازوکار منظم و قابل دسترس برای اطلاع‌رسانی عمومی و پاسخگویی درباره تعرفه‌ها ایجاد شود تا شهروندان و فعالان اقتصادی بتوانند مبنای محاسبه هزینه‌هایی را که می‌پردازند، بررسی و ارزیابی کنند.

رئیس مرکز تجارت جهانی ایران در خاتمه یادآور شد: مردم امروز فقط با افزایش قیمت یک یا دو قلم کالا و خدمات مواجه نیستند؛ آنها با مجموعه‌ای از هزینه‌های فزاینده روبه‌رو می‌باشند که هر کدام از مسیری متفاوت به بودجه خانوار و فعالیت‌های اقتصادی فشار وارد می‌کنند. اگر این هزینه‌ها جداگانه بررسی شوند، ممکن است هیچ‌کدام به تنهایی چندان تعیین‌کننده به نظر نرسند؛ اما در کنار یکدیگر، می‌توانند بخش مهمی از درآمد مردم را ببلعند و قدرت خرید آنان را بیش از پیش کاهش دهند!!

دولت حق دارد برای تداوم و توسعه خدمات عمومی، منابع مالی لازم را تأمین کند؛ اما این حق، مسئولیت شفافیت، عدالت، بهره‌وری و پاسخگویی را از دوش آن برنمی‌دارد. تأمین هزینه‌های اداره کشور نباید به معنای انتقال دائمی بار ناکارآمدی‌ها و ضعف‌های ساختاری به مردم باشد.

اگر دولت واقعاً در پی مهار تورم و حمایت از معیشت مردم است، باید علاوه بر نظارت بر قیمت‌های بازار، آئین‌های در برابر سیاست‌های قیمتی خود نیز قرار دهد و ببیند و بپرسد تصمیماتش چه سهمی در افزایش هزینه زندگی و تولید داشته است.

وی تأکید کرد: مبارزه با گرانی فقط با تذکر به فروشندگان و برخورد با گران‌فروشان به نتیجه نمی‌رسد. این مبارزه زمانی مؤثر خواهد بود که همه عوامل افزایش قیمت، از بازار تا ساختارهای دولتی و عمومی، به یک اندازه در معرض ارزیابی و پاسخگویی قرار گیرند.

مردم نباید هر بار که دستگاهی با کمبود منابع یا افزایش هزینه مواجه می‌شود، نخستین و آسان‌ترین راه تأمین مالی آن باشند!! پرداخت هزینه بیشتر باید با توجیه روشن، خدمت بهتر و پاسخگویی دقیق‌تر همراه باشد؛ وگرنه آنچه در ظاهر اصلاح تعرفه نامیده می‌شود، ممکن است در عمل به مالیاتی پنهان بر زندگی مردم تبدیل شود.

مبارزه با گرانی فقط با تذکر به فروشندگان و برخورد با گران‌فروشان به نتیجه نمی‌رسد. این مبارزه زمانی مؤثر خواهد بود که همه عوامل افزایش قیمت، از بازار تا ساختارهای دولتی و عمومی، به یک اندازه در معرض ارزیابی و پاسخگویی قرار گیرند

دلیل کاهش ساخت‌وساز در کشور چیست؟

با وجود تقاضا برای مسکن، قدرت خرید مردم کاهش پیدا کرده است و دلایل مختلفی بر این موضوع تأثیر گذاشته‌اند. عضو هیات مدیره سازمان نظام مهندسی در مورد این دلایل توضیحاتی داد.

بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، بخش ساختمان در بهار ۱۴۰۵، منفی ۶/۴ درصد رشد داشته است. یعنی ساخت‌وساز به جای این که بیشتر شود کمتر شده است و بانک مرکزی نیز، برای کل سال ۱۴۰۴، عدد منفی ۱۵/۸ درصد را گزارش کرده است و این عددها برای ما صرفاً آمار نیستند و به خانه مردم مربوط می‌شوند. اگر ساخت‌وساز کم شود عرضه مسکن نیز کاهش پیدا می‌کند و فشار بر قیمت‌ها بیشتر می‌شود. این یعنی افزایش فاصله خریداران با صاحب خانه شدن و سنگین‌تر شدن فشار اجاره‌بها بر سفره مستأجران. به همین دلیل باید توجه کرد که در حال حاضر، نیمی از هزینه‌های خانوار مربوط به هزینه‌های مسکن است و اگر موانع ساخت‌وساز شناخته و برداشته شوند می‌توان دوباره چرخ را به حرکت درآورد و تأثیرات مثبت این حرکت نیز، صرفاً به حوزه مسکن محدود نمی‌شود و رونق ساخت‌وساز فقط محدود به تولید مسکن نیست و سیمان، فولاد، آجر و شیشه و کاشی و تأسیسات و حمل‌ونقل و لوازم خانگی همه به نوعی به صنعت مربوط هستند و هر جایی که ساخت‌وساز شروع شود چندین شغل نیز، شکل می‌گیرد.

بیژن خطیبی، عضو هیات مدیره سازمان نظام مهندسی در مورد سازوکارهای رونق ساخت‌وساز و چگونگی به تکاپو انداختن این صنعت پیشران گفت: با وجود رشد منفی در حوزه ساخت‌وساز، امّا این کار در کشور در حال انجام است و الآن، شرایط رکود تورمی را در کشور داریم. یعنی قدرت خرید مردم کاهش پیدا کرده است و از طرفی دیگر، هزینه ساخت‌وساز که عوامل متفاوتی دارد افزایش پیدا کرده است. درنتیجه، وقتی توان مردم ما در خرید کاهش پیدا کند نتیجه آن به صورتی می‌شود که اگر عرضه‌ای باشد تقاضا، قدرت جذب آن عرضه را ندارد و اگرچه وابستگی ما در حوزه ساخت‌وساز به خارج از کشور کاهش پیدا کرده است و بسیاری از موارد مربوط به ساخت‌وساز در کشور را خودمان تأمین می‌کنیم، امّا با افزایش هزینه‌ها روبه‌رو هستیم.

خطیبی ادامه داد: وقتی همه شاخص‌های ما در سال نشان می‌دهند که از ۶۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش تورمی روی کالاها داریم درنتیجه، قیمت ساخت‌وساز نیز، افزایش پیدا می‌کند و از طرفی، قدرت خرید خانوار بسیار کاهش پیدا کرده است؛ به طوری که یک خانواده معمولی باید چند سال کار کنند تا بتوانند صاحب خانه شوند. به همین دلیل، خیلی نمی‌توان با این موضوع مقابله کرد و کشور ما دچار یک جنگ است که بیش از یک سال است به صورت فرسایشی با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم و باید بدانیم که نخستین چیزی که همه دولت‌ها در زمان جنگ به آن توجه می‌کنند معیشت و خوراک مردم است.

عضو هیات مدیره سازمان نظام مهندسی گفت: باید خودمان را با توجه به شرایط متفاوت وفق دهیم و پیشنهاد ما این است که باید مسکن را به متراژ پایین‌تر سوق دهیم و چاره‌ای جز این نداریم تا جوان کشور بتواند صاحب یک سرپناه شود.

خطیبی ادامه داد: برای این که بتوانیم به چیزی رونق ببخشیم متقاضی آن باید توانایی خرید آن را داشته باشد. زیرا اگر تولید صورت بگیرد، امّا خریدار نداشته باشد باعث سرافکندگی سرمایه‌گذار در بازار می‌شود و در حال حاضر، سازنده‌ها با این مسائل روبه‌رو هستند که قیمت به صورت روزانه تغییر می‌کند و با این وجود، برای این که بتوانیم قدرت خرید مردم را افزایش دهیم نظام بانکی ما باید با قدرت و اراده بیشتری برای این منظور اقداماتی انجام دهد و وام‌ها را به صورت طولانی مدت به متقاضیان ارائه دهد و امکان بازپرداخت برای آن‌ها باشد و این طور نباشد که به طور مثال؛ ۴ میلیارد وام با اقساط ۹۰ میلیون تومان در ماه به مردم بدهد و بانک‌ها باید به صورت پلکانی برای این منظور اقداماتی انجام دهند تا از رکود تورمی نجات پیدا کنیم. زیرا تقاضا برای خرید مسکن وجود دارد، امّا قدرت خرید وجود ندارد.

عضو هیات مدیره سازمان نظام مهندسی افزود: بازار را نمی‌توان به صورت دستوری کنترل کرد. زیرا برای مدتی این فنر را جمع نگه می‌دارند و تنشی که به وجود می‌آورد باعث افزایش قیمت بیشتر می‌شود و تولیدکنندگان ما با شرایط سختی دست و پنجه نرم می‌کنند و در تابستان برق و در زمستان گاز ندارند.